



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

گذرنامه آخرت

نویسنده: سید محمد رضا اشتم زاده

فغان و آه و داد از توشه‌ی حکم
دریغ‌خاره بود پر بیخ و پر خم
کمرها سخت و کوشش سعب و مشکل
خطرناکس پل و ماوا و منزل
خدا ما را از این مشکل رساند
باعتنا خویش بر منزل رساند

«انصاری»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گذرنامه آخرت

نویسنده:

سید محمدرضا هاشم زاده

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	گذرنامه آخرت
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهارست مطالب
۱۲	سخنی از ناشر
۱۵	مقدمه
۱۹	۱- حقیقت مرگ چیست؟
۲۰	۲- چرا از مرگ می ترسیم؟
۲۵	۳- چه کنیم که بعد از مرگ نهراسیم؟
۲۶	۴- لحظه مرگ بر انسان چه می گذرد؟
۲۸	۵- در لحظه مرگ چه کسانی را مشاهده می کنیم؟
۳۲	۶- قبض روح با کیست؟
۳۴	۷- لحظات جان دادن خوبان چگونه است؟
۳۶	۸- عواملی که مرگ را آسان می کند کدامند؟
۴۶	۹- وظایف ما هنگام جان دادن دیگران چیست؟
۴۹	۱۰- وظایف ما بعد از مرگ یک مسلمان چیست؟
۴۹	۱۱- وظایف ما در حین تشییع جنازه چیست؟
۵۰	۱۲- آداب تشییع جنازه چگونه است؟
۵۱	۱۳- فلسفه غسل میت چیست؟
۵۲	۱۴- احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت چگونه است؟
۷۹	۱۵- لحظات دردناک پس از مرگ چگونه است؟
۸۱	۱۶- آداب شخص مصیبت دیده چیست؟
۸۸	۱۷- بخش اول: الف - زیارت اهل قبور

- ۹۷ ۱۸- بخش دوم: کیفیت زیارت اهل قبور
- ۹۷ اشاره
- ۱۰۰ بخش سوم: اوقات زیارت اهل قبور
- ۱۰۱ ۱۹- بخش چهارم: سوره ها و ادعیه وارده جهت زیارت اهل قبور
- ۱۰۶ ۲۰- بخش اول: وصیت
- ۱۱۱ ۲۱- آیا وصی می تواند محتوای وصیت نامه را تغییر دهد؟
- ۱۱۴ ۲۲- آیا لازم است وصی از کلیه تعهدات و حقوق خود مطلع باشد؟
- ۱۱۴ ۲۳- اگر وصی برخلاف وصیت عمل کند آیا گناهی برای وصیت کننده نوشته می شود؟
- ۱۱۵ ۲۴- نحوه اجرای وصیت چیست و سهام ارث هر یک از ورثه، به چه مقداری باشد؟
- ۱۱۹ ۲۵- آیا وصی می تواند عمل به وصیت را به تأخیر بیندازد یا در انجام آن کوتاهی نماید؟
- ۱۲۱ ۲۶- آیا بعضی از واجبات مثل حج واجب، بدهکاری و حقوقی مثل خمس و زکات و مطالب باید از ثلث مال وصیت شود یا از اصل مال؟
- ۱۲۱ ۲۷- رد مظالم چیست و آیا باید هر کسی در وصیت نامه مبلغی را به عنوان رد مظالم بنویسد؟
- ۱۲۲ ۲۸- چه عواملی باعث محرومیت از ارث بردن می شود؟
- ۱۳۹ فهرست منابع
- ۱۴۰ درباره مرکز

گذرنامه آخرت

مشخصات کتاب

سرشناسه : هاشم زاده، سید محمد رضا، 1339 -

عنوان و نام پدیدآور : گذرنامه آخرت [کتاب] / سید محمد رضا هاشم زاده.

مشخصات نشر : اصفهان: مولف ، 1396.

مشخصات ظاهری : 132 ص.

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : مرگ -- احادیث

موضوع : Death -- Hadiths

رده بندی کنگره : BP222/22ب9گ4 1396

رده بندی دیویی : 297/44

تاریخ چاپ: پاییز 1396

تلفن همراه: 09132107848

ص: 1

اشاره

6	* سخنی از ناشر.....
9	* مقدمه.....
13	1- حقیقت مرگ چیست؟.....
14	2- چرا از مرگ می ترسیم؟.....
19	3- چه کنیم که بعد از مرگ نهراسیم؟.....
20	4- لحظه ی مرگ بر انسان چه می گذرد؟.....
22	5- در لحظه مرگ چه کسانی را مشاهده می کنیم؟.....
26	6- قبض روح با کیست؟.....
28	7- لحظات جان دادن خوبان چگونه است؟.....
30	8- عواملی که مرگ را آسان می کند کدامند؟.....
40	9- وظایف ما هنگام جان دادن دیگران چیست؟.....

- 10- وظایف ما بعد از مرگ یک مسلمان چیست؟ 43
- 11- وظایف ما در حین تشییع جنازه چیست؟ 43
- 12- آداب تشییع جنازه چگونه است؟ 44
- 13- فلسفه غسل میت چیست؟ 45
- 14- احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت چگونه است؟ 46
- 15- لحظات دردناک پس از مرگ چگونه است؟ 73
- 16- آداب شخص مصیبت دیده چیست؟ 75
- 17- آثار زیارت اهل قبور 82
- 18- کیفیت زیارت اهل قبور چگونه است؟ 91
- 19- سوره ها و ادعیه ی وارده جهت زیارت اهل قبول کدام اند؟ 95
- 20- وصیت و احکام آنرا بیان کنید؟ 100
- 21- آیا وصی می تواند محتوای وصیت نامه را تغییر دهد؟ 105
- 22- آیا لازم است وصی از کلیه تعهدات و حقوق خود مطلع باشد؟ 108
- 23- اگر وصی بر خلاف وصیت عمل کند آیا گناهی برای وصیت کننده نوشته می شود؟ 108
- 24- نحوه اجرای وصیت چیست و سهام ارث هر یک از ورثه، به چه مقدار می باشد؟ 109

25- آیا وصی می تواند عمل به وصیت را به تأخیر بیندازد و یا در انجام آن کوتاهی نماید؟..... 113

26- آیا بعضی از واجبات مثل حج واجب، بدهکاری و حقوقی مثل خمس و زکات و مظالم باید از ثلث مال وصیت شود یا از اصل مال؟..... 115

28- رد مظالم چیست؟ و آیا باید هرکسی در وصیت نامه مبلغی را به عنوان رد مظالم بنویسد؟..... 115

28- چه عواملی باعث محرومیت از ارث بردن می شود؟..... 116

حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمدرضا هاشم زاده در سال 1339 شمسی (در روز عید فطر) در شهر مذهبی اصفهان و در یک خانواده ی روحانی چشم به جهان گشود و تحت تربیت و پرورش والدینی مذهبی قرار گرفت. وی از همان دوران طفولیت علاقه ی وافری به مجالس مذهبی و علمی داشت و همین ویژگی، موجب شد که در سال 1355 پس از اخذ دیپلم وارد حوزه ی علمیه ی اصفهان و قم شود و درس حوزوی را شروع کند پس از طی ده سال دوره ی مقدمات و سطح وارد مرحله ی دروس خارج شود و نزد آیات عظام وحجج اسلام:

سید محمّد علی صادقی (ره)، حسن صافی (ره)، سید محمّد علی موحد ابطحی (ره)، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، سید احمد امامی (ره)، سید حسن

امامی، حسین مظاهری، محمد ناصری، عباسعلی ادیب، سیدحجت موحد ابطی، اکبر فقیه (دامت برکاتهم) و... توانست تلمذ کرده، استفاده های فراوانی نماید. همچنین وی در کنار تحصیل به تدریس (در حوزه و دانشگاه) و تحقیق و نویسندگی پرداخت و ثمره ی آن فعالیت ها، ده ها کتاب و صدها مقاله در روزنامه های کثیرالانتشار شد. در انتها ضمن ذکر فهرستی از کتابهای مؤلف گرامی از خداوند مئان توفیق روزافزون در تألیف و طبع سایر آثار ایشان را خواستاریم.

فهرست تألیف ها:

1. انسان نمونه در جهان بینی اسلامی (5ج)

2. انسان در پرتوی اخلاق

3. مبارزه با گناه در زندگی

4. فلسفه ی امتحان های الهی

5. مبانی اعتقادی اسلام

6. انسان از دیدگاه نهج البلاغه

7. نقش موعظه در زندگی انسان

8. نقش دین در زندگی انسان

9. روش نویسندگی و تحقیق

10. ارزش کتاب و مطالعه اسلام

11. شیوهی سخنوری در اسلام

12. شیوهی تدریس

13. روابط اجتماعی در اسلام

14. حقوق خانواده در اسلام

15. اربعین از دیدگاه قرآن و روایات

16. سیره ی پیامبر اسلام (ص)

17. سیره ی عملی اهل بیت (ع) (3ج)

18. معاد از دیدگاه اسلام

19. تعلیم و تربیت در اسلام

20. عوامل هدایت و ضلالت در

ص: 7

21. شناخت و معرفت از دیدگاه اسلام
22. ویژگی های مکتب اسلام
23. خودسازی در پرتوی اخلاق و عرفان
24. نقد و بررسی مکاتب مادی و سکولاریسم
25. عوامل نهضت امام حسین (ع)
26. روش شناخت قرآن
27. فلسفه احکام
28. نقش دعا در زندگی انسان
29. مجادله و بحث در اسلام
30. آداب و احکام نماز
31. پژوهش آداب شریعه
32. پیام عاشورا
33. شناخت امام زمان (عج)
34. کشف کول هاشمی
35. نویسندهی گمنام (زندگینامه نویسنده)
36. شرح منطق کبری
37. تقریرات، درسهای خارج از فقه و اصول
38. شرح حال بعضی از علما و خطبای اصفهان
39. کتاب شناسی
40. پرسشهای راجع به مهدویت
41. پرسشهای راجع به حجاب
42. دیدار با عترت (ادعیه زیارتی عتبات عالیات)
43. گذرنامه ی آخرت
44. و صدها مقاله در روزنامههای کثیرالانتشار

یکی از مسائلی که همه اندیشمندان و کاوشگران جهان را از دیرباز تاکنون به تفکر و اندیشه واداشته سرانجام مرگ و پایان راه انسان است. لذا بشر از همان آغاز راه برای شناخت مرگ و جهان پس آن تلاش و کوشش بسیار نموده و همواره علاقه دارد بداند از کجا آمده؟ برای چه آمده؟ و به کجا خواهد رفت؟ بقول شاعر:

روزها فکر من این است همه شب سخنم *** که چرا غافل از احوال دل خویشتم

از کجا آمدهام آمدنم بحر چه بود *** به کجا می روم آخر نمایم وطنم

در جواب این پرسش ها دو دیدگاه و چشم انداز وجود دارد: 1- جهان بینی مادی 2- جهان بینی الهی، آنها که افکار و اندیشه های مادی دارند نه برای جهان خدایی قائل هستند و نه برای انسان هدف و غایتی! گوئی

انسان مانند کتابی است که اول و آخر ندارد. و مانند حیوانات فقط بر محور خوردن و خوابیدن و اشباع غرائز آمده و بس! و در نتیجه بشر پس از مرگ، نابود میشود و جهان آخرت هم برای او وجود ندارد! اما از نظر مکتب و جهان بینی الهی جهان هستی را دارای خالق و پروردگاری حکیم و دانا می داند که همه چیز را روی هدف و منظوری آفریده و چیزی عبث و بیهوده در جهان وجود ندارد. و در میان این موجودات انسان دارای جایگاه خاصی می باشد، که میتواند بر اثر فرامین انبیاء الهی و کتاب آسمانی عالیتترین مقام خلیفه الهی را پیدا کنید و آئینه صفات حق تعالی شود.

رسد آدم بجایی که بجز خدا نبیند *** بنگر تا چه حد است مقام آدمیت

گویی زندگانی در دنیا بسان دانشگاهیاست که انسانها در آن درس میخوانند و نتیجه آن را پس از مرگ و عالم آخرت دریافت می کنند. به هر ترتیب این جهان: سرای جاویدان برای هیچ کس نیست، بعضی زودتر و بعضی دیرتر می روند، فراق دوستان، فرزندان و خویشان به هر حال تحقق می یابد.

قرآن در این رابطه می فرماید:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (1)»

«هر انسانی (یا صاحب نفس) مرگ را می چشد،

سپس به سوی ما باز می گردد.»

ص: 10

از این آیه استفاده میشود، که مرگ قانونی است که بر تمام موجودات زنده جهان هستی حاکم است و سرنوشتی است که برای همه موجودات بخصوص انسان، ورق زنده شده و گریز و فراری برای آن نیست.

که هر نفس کو آمد اندر حیات *** چشد شربت نیستی و ممات

دو روزی چو از زندگی گذشت *** به سوی خدا باز خواهید گشت

در حدیثی آمده است: وقتی آیه شریفه؛

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (1)»

«تمام کسانی که بر روی زمین هستند فانی می شوند.»

نازل شد ملائکه گفتند:

فرمان مرگ اهل زمین صادر شد!

هر آن کس که روی زمین پا به جاست *** سرانجام اونیستی و فناست

و هنگامی که آیه؛

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (2)»

«هر نفسی مرگ را می چشد»

نازل گشت، فرشتگان گفتند: فرمان مرگ ما نیز صادر شد! (3) و راجع به مرگ عمومی تمامی موجودات جهان می فرماید:

ص: 11

1- - سوره الرحمن/آیه 26.

2- - سوره آل عمران/آیه 185.

3- - تفسیر کبیر، ج 9، ص 25.

«همه چیز این جهان فانی و نابود می شود بجز ذات پاک و بیهمتای او»

این آیات هشدار می دهد که همه انسانها در طول تاریخ است، که از این سرنوشت و قانون عمومی و قطعی غافل نشوند، دائماً به فکر مرگ باشند که غفلت از آن، خطراتی برای دین و دنیا و آخرت انسان به بار می آورد باید این مطلب را بدانیم که مرگ نعمتی از جانب خدا و سرنوشتی حتمی است که برای همه ما نوشته شده لذا در این نوشتار سعی کرده ایم مسائل مرگ و مراحل آن را بصورت پرسش و پاسخ دنبال کنیم، به امید آنکه دعای رهجویان و عنایت حضرت حق و ولیش امام زمان (عج) موجب نجات ما در این سگرات مرگ و پس از آن باشد. از خداوند منان حُسن عاقبت برای همه عزیزانی که به نحوی در چاپ و نشر این کتاب ما را یاری کردند خواستارم و ثواب این اثر را پس از قبولی حضرت حق اهداء میکنم به همه انبیاء و اولیاء بخصوص حضرت زهرا سلام علیها و هرکس حقی به گردن این حقیر دارد.

سید محمدرضا هاشم زاده

پاییز 96

والسلام

ص: 12

1- حقیقت مرگ چیست؟

مرگ اسم است از مردن، فنای حیات و نیست شدن زندگانی است. بر اساس نظریه وجودی بودن مرگ، لحظه جان دادن تولد دوّم آدمی است. یعنی خارج شدن از رحم دنیا و ورود به جهان وسیع و پهناور دیگر، بیرون آمدن از یک زندان، و جدا شدن از آنچه لازمه دنیای محدود است. در حقیقت مرگ به معنی نبودن حیات نیست، بلکه انتقال حیات مادی این جهان به حیات اخروی و ملکوتی است، به عبارت دیگر انسان زندگی دنیوی را ترک گفته و به زندگی ابدی منتقل می شود پس مرگ آخرین منزل دنیا و اولین منزل آخرت است. در فرهنگ قرآن مرگ به معنای «وفات» است، نه «فوت» زیرا فوت به معنای زوال و نابودی است، ولی وفات به معنای اخذ تام و اختیار گرفتن نام و کمال یک حقیقت و انتقال آن به سرای دیگر است. که این کار توسط فرشتگان مأمور وفات صورت می گیرد.

«قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي نُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (D)»

«بگو فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شمارا می گیرد،

سپس شما به سوی پروردگارتان باز می گردانند.»

بنابراین مرگ یک امر عمومی به معنای زوال و فنا نخواهد بود.

ص: 13

پیامبر اکرم (ص) در این رابطه میفرماید: گمان نبرید که با مرگ نابود می شوید، بلکه از خانه ای به خانه دیگر کوچ می کنید. (1)

از حضرت جواد (ع) پرسیدند مرگ چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

«هُوَ التَّوَمُّ الَّذِي يَأْتِيكُمْ كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَّا أَنَّهُ طَوِيلٌ مُدَّتُهُ لَا يُنَبِّئُهُ مِنْهُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (2)»

«مرگ همان خواب است که هر شب سراغ شما می آید با این تفاوت که مدت خواب مرگ طولانی بوده و آدمی از آن بیدار نمی شود جز در روز قیامت».

2- چرا از مرگ می ترسیم؟

با توجه به فطرت و خواسته های درونی بشر و الهام از قرآن و روایاتهای معصومین علیهم السلام روشن می شود، که این ترس ناشی از عوامل فراوانی است که برخی از آنها اشاره می کنیم.

1- علاقه و دل بستگی شدید به دنیا

جهان هستی یک ظاهر و یک باطن دارد در قرآن آمده است.

«يُعَلِّمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (3)»

«اکثر مردم به امور ظاهری زندگی دنیا آگاه و از عالم آخرت

که باطن آن است بیخبرند».

ص: 14

1- بحار الانوار، ج 6، ص 249.

2- معانی الأخبار، ج 5، ص 289.

3- سوره روم/آیه 7.

به تعبیر دیگر، ظاهر عالم، طراوت، زیبایی، شهوات، غرق شدن در لذائذ و رهیدن از هر قید و بند است، اما باطن آن، اخلاق، وجدان، عمل صالح، نیت، گفتار پاک، ایثار، عبودیت، علم، تقوا و... است. کسانی که به ظاهر دنیا دل بسته اند و بی حساب و بی مسئولیت زندگی کرده اند و حُب دنیا و عشق به متاع و غرور، زر و سیم و پول و مقام و منصب همه وجودشان را احاطه کرده و بهترین سرمایه خود، یعنی عمر خود را داده اند و در عوض، دنیا را بدست آورده اند، با آمدن مرگ تمام این علاقه ها را که عمری مانند غل و زنجیر به پای خود بسته بودند قطع شده و در هم فرو ریخته می بینند، به طور مسلم، مرگ برای چنین افرادی وحشت زا و دردناک خواهد بود، چون می خواهند او را از همه دلبستگی هایی که در دنیا داشته جدا کنند. اما کسانی که در عین توجه به دنیا به فکر عالم باطن، آخرت و پس از مرگ خود نیز بوده اند، چنین وحشتی از مرگ ندارند، زیرا به جهان آخرت علاقه داشته و برای آن تلاش کرده اند، از این رو با مرگ به زندگی واقعی جاوید می رسند.

نشان مرد مؤمن با تو گویم *** اگر مرگش رسد خندان بمیرد

1- مرگ را به معنای فنا و نابودی دانستن

آنهایی که مرگ فانی شدن و از بین رفتن می پندارند، از آن می ترسند، واز شنیدن نام آن هراس دارند، تا چه رسد به خود آن، ولی اگر حقیقت آن را هر انسانی، آن چنان هست دریابد و بدان یقین کند ترسش

می ریزد «مرگ» را جز کمال و شوق چیز دیگر نخواهند یافت و به آن عشق می ورزد. امیرالمومنین که در حقیقت «مرگ» را به روشنی دریافت و معنی آن را درک کرده است .

امام علی (ع) می فرماید:

«لَلَّهِ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسٌ بِأَلْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِئَدْيِ أُمِّهِ،»

«به خدا سوگند که علاقه پسر ابوطالب به مرگ از علاقه

طفل به پستان و شیر مادرش بیشتر است (1)».

و در مورد متقین و چگونگی علاقه آنها به مرگ در خطبه همام میفرماید:

اگر خداوند اجل و مدتی در دنیا برای ایشان تعیین نمی فرمود، از شوق ثوابو بیم عذاب الهی حتی یک چشم بهم زدن نیز جان در بدنشان فرا نمی گرفت. (2)

و همسر آن حضرت فاطمه زهرا (س) «مرگ» خود را از خداوند می خواهد و می فرماید:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ وَفَاتِي سَرِيعاً»

«خدایا هر چه زودتر مرگم برسان و از دنیا پر درد و رنج مرا نجات بده و به آخرتی که جاریه است منتقل کن.»

ص: 16

1- - نهج البلاغه، خطبه 5، فیص الاسلام، ص 57.

2- - نهج البلاغه خطبه همام، ص 193.

جهل و ناگاهی، همیشه منشأ ترس است. بشر از شب تار، خوف دارد، چون ظلمت و تاریکی، باعث جهل است، جایی را نمی بینید، راه را از چاه تشخیص نمی دهد. مسیر را از پرتگاه تمییز نمی دهند، از این رو هر لحظه خویش را در معرض آسیب گزنده یا دیگر بدآمدهای ناشناخته احساس می کند. انسان از راهی که تاکنون نرفته و با آشنا نیست، برای اولین بار که خواست از آن جاده عبور کند، می ترسد و این ترس، ناشی از جهل و آگاهی او به جاده و طریق است.

«بوعلی سینا» در کتاب «شفا» علت اصلی ترس مردم از مرگ را جهل و ناگاهی آنان نسبت به مرگ و عواقب بعد از مرگ می داند.

4- نداشتن عمل صالح

یکی دیگر از عوامل ترس از مرگ نداشتن عمل نیکی که باعث نجات شود. اگر توشه آخرت خود را از قبل آماده کرده باشیم و یقین داشته باشیم با مرگ تولد دیگری پیدا می کنیم و در منزل و مکان بهتری قرار میگیریم، چرا از مرگ بترسیم و وحشت داشته باشیم در روایتی آمده:

«عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَ بِالذُّنُوبِ تُحْرَزُ الْآخِرَةُ (1)»

«با مرگ، زندگی دنیا پایان می پذیرد و با دنیا سعادت آخرت به دست می آید.»

ص: 17

لذا باید در این دنیا موقت برای حیات جاودانی بعد از مرگ ذخیره و توشه برداریم و آن جز ایمان بخدا و عمل صالح و پیروی از قرآن و سنت پیامبر(ص) و اهل البیت علیهم السلام چیز دیگری نیست.

در مجلسی که امام حسن مجتبی(ع) حضور داشتند، صحبت از «مرگ» شد. شخصی عرض کرد: «یابن رسول الله! چرا ما از مرگ خوشمان نمی آید؟ حضرت فرمود: برای این که آخرت خود را خراب و دنیایتان را آباد کرده اید، از این جهت ناراحتید که از عمران و آبادی به سوی ویرانه منتقل شوید. (1)»

5- اعمال نادرست و خلاف

همچنین افرادی اعمالشان به گناه و ظلم به مردم می باشد و می داند با مرگ اول عذاب الهی آنها شروع می شود از مرگ وحشت دارند، قرآن کریم هم چنین اشاره می کند:

«قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (2)»

«ای پیامبر! بگو کسانی که یهودی شده اید! اگر می پندارید که تنها شما دوستان خدا هستید نه دیگران، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویند، ولی آنان به سبب کارهای نادرست و زشتی که انجام

ص: 18

1- - بحارالانوار، ج 6، ص 129.

2- - سوره جمعه آیات 6-7.

3- چه کنیم که بعد از مرگ نهراسیم؟

اگر عوامل وحشت از مرگ را بشناسیم و آنها را برطرف کنیم دیگر هراس و نگرانی وجود ندارد اگر ترس ما ناشی از ناآگاهی و جهل است، میتوان با مطالعه و تحقیق، موارد آن را برطرف کرد. اگر ترس از علاقه شدید به دنیا است که روزی آن را از دست خواهیم داد، باید در علاقه های خود تجدید نظر کرده و تعادل در استفاده صحیح از دنیا برقرار کنیم. از همین رو در دستورات اولیای دین می بینیم که به انسان ها برای کسب سعادت و کمال و مهیا شدن برای پذیرش مرگ، سفارش شده است که آدمی به گونه ای زندگی کند که هرگاه مرگ او فرا رسد، آماده باشد و این دنیا را با خیالی آسوده ترک کند. در متون دینی ما نیز با فراست ترین و غافل ترین انسان کسی دانسته شده که برای مرگامادگی بیشتری داشته باشد.

از رسول خدا(ص) سوال شد: ائی المومنین اکیس؛ کدام یک از مؤمنان با کیاستتر و زیرکترند؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «اکثرهم ذکرًا للموت و اشدُّهم إستعدادًا لله(1)»

از امیرالمومنین(ع) سوال شد: مقصود از آمادگی مرگ چیست و این

ص: 19

استعداد و آمادگی با چه عملی حاصل می شود؟

ایشان فرمودند:

«أداء الفرائض واجتناب المحارم والإشتغال على المكارم ثم لا يُبالي أوقع على الموت أم وقع الموت عليه(1)»

مقصود از آمادگی برای مرگ، انجام فرائض و واجبات و ترک محرمات و دارا بودن مکارم اخلاق و صفات پسندیده و انسانی است . در این صورت ترسی ندارد که مرگ بر او وارد شود یا او بر مرگ وارد شود. (کسی که چنین باشد برای مرگ آماده و از آن باکی ندارد.)

4- لحظه مرگ بر انسان چه می گذرد؟

موقع جان دادن لحظه بسیار حساس و خطرناکی است، که حتی خوبان از آن دلهره و وحشت دارند. در قرآن آمده است:

«وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ(2)»

«به حق لحظه گیج کننده مرگ فرا رسید همان که از

آن فرار می کردی.»

در لحظه مرگ دلهره از یک سو و جدائی از زن و فرزند و مال و مقام از سوی دیگر برای او هوشی نگذاشته و چنان او را گیج و مبهوت کرده که

ص: 20

1- - بحار الانوار، ج 2، ص 68.

2- - سوره ق/آیه 19.

در قرآن از آن حالت به لفظ «سگره» (مستی) یاد کرده است، این تفسیر درباره قیامت هم آمده که می فرماید:

«... وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَ مَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (1)»

«ای رسول من، تو در آن روزی که زلزله برای بپا شدن قیامت میشود مردم را همچون مست می بینی ولی آنان مست نیستند و لکن عذاب خدا سخت است.»

امام علی علیه السلام می فرماید: «فَقَيْرُ وَ مَوْصُوفٌ مَا نَزَّ بِهِمْ»، «آنچه بر انسان در لحظه مرگ وارد می شود قابل توصیف نیست. اطراف بدن شل می شود، رنگ می پرد، مرگ می آید، زبان می گیرد، انسان هنوز می بیند و می شنود ولی قدرت حرف زدن ندارد، فکرش هم کار می کند، ولی در این که به عمرش چه کرده است، به قول امام «يُنْكِرُ فِيمَا أَفْنَىٰ عُمُرَهُ وَ فِيمَا أَذْهَبَ دَهْرَهُ» یعنی با خود فکر می کند که عمرش را در چه راهی صرف کرده و ایامش را در چه مسیری گذرانده است.»

امام میفرماید: محتضر در آن موقع از اموال و ثروتهایی که در طول عمرش جمع کرده یاد می کند و با خود می گوید: این اموال را از چه راهی بدست آوردم چرا فکر حلال و حرام آن نبودم؟ الان گناه و حسابش با من ولذت و بهره اش با دیگران است ولی مأمور مرگ همچنان روح او را از اعضا جدا می کند. تا زبان و گوش او هم از کار می افتد و فقط

ص: 21

چشمانش می بیند و به اطراف خود نگاه می کند و تلاش و وحشت و حرکات اطرافیان را مشاهده کرده ولی صدائی نمی شنود و حرفی نمی زند و در لحظه آخر روح از چشم گرفته می شود و او در میان اندکی او را به خاک و به عملش سپرده و از او دور می شوند. (1)

5- در لحظه مرگ چه کسانی را مشاهده می کنیم؟

1- حضور معصومین (ع) در کنار محتضر

از جمله کسانی که موقع جان دادن انسان، به بالین او حاضر میشوند، پیامبر اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع) و فرزندان ایشان می باشد. حاضر شدن پیامبر و علی (ع) به بالین محتضر به این جهت است که بر کارهای او شهادت دهند و او را به «فرشته مرگ» معرفی کنند. اگر محتضر از اولیاء الله و دوستان و شیعیان امیرالمومنین باشد.

سفارش او را به «ملک الموت» میکنند و میگویند: ای «گیرنده جانها» ملاحظه حال این محتضر را بکن، زیرا او از دوستان و شیعیان ما می باشد «ملک الموت» هم، با کمال مهر و محبت و به آسانی جان او را از بدنش بیرون می آورد. بعد از مرگ در پیشانی آن مؤمن نوشته می شود این شخص از دوستان و شیعیان علی و اولادش می باشد.

اما اگر انسان در حال مرگ، از منافقان و دشمنان پیامبر اسلام و امیرالمومنین باشد به «ملک الموت» میگویند این شخص از دشمنان ما

ص: 22

خانواده بوده و در دنیا ارتباطی با ما نداشته است. هر جور صلاح میدانی با او رفتار نما و قبض روحش کن. «فرشته مرگ» هم، با شدت و سختی جان او را از بدنش به بیرون می کشد، بعد از مرگ هم، در پیشانی او نوشته می شود. این شخص منافق است یا کافر، در یکی از زیارت نامه های امیرالمومنین(ع) آمده است.

«السلام علی نِعْمَةِ عَلِيٍّ الْأَبْرَارِ وَ يَقِمْتَهُ عَلِيُّ الْفُجَّارِ»⁽¹⁾

«سلام بر کسی که وجودش برای نیکان، نعمت بوده و برای فاجران و تبهکاران، عذاب به شمار می آید»

در روایتی از حضرت علی(ع) آمده:

هیچ کس نیست که مرگش فرارسد مگر آن پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) همگی (با بدن مثالی) نزد او مجسم و حاضر میشوند به طوری که آنان را می بیند. اگر محتضر از مؤمنان باشد، وقتی ایشان را مبیند به آنان علاقه پیدا می کن و عشق می ورزد. و اگر از مؤمنان نباشد هنگام مشاهده ایشان آنان را دشمن می دارد و به دیدار آنان علاقه ندارد.⁽²⁾ در حدیثی دیگر از امام صادق(ع) آمده: دوستان و طرفداران امیرالمومنین(ع) در سه موضع آن حضرت را می بیند به طوری که با دیدن او شادمان می شوند. 1- هنگام جان دادن 2- نزد پل صراط یا هنگام

ص: 23

1- - مفاتیح الجنان زیارت ششم.

2- - کافی، ج 3، ص 137.

عبور از آن 3- در کنار حوض کوثر (1) خوشحال کسانی که در دنیا اعمال شایسته ای انجام داده اند و به دستورهای پیامبر و ائمه (ع) عمل کرده اند و هنگام مرگ، آن بزرگواران را در کنار خود می بینند و با خشنودی خرمی چشم از این جهان فرو می بندند.

1- حضور ملائکه در کنار محتضر

از آیات و روایات استفاده می شود که انسان در حین احتضار و جان کندن ملائکه رحمت و برای کافرین و تبهکاران، ملائکه غضب:

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَنْدَبَاهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» (2)

«اگر بنگری سختی حال کفار را هنگامی که فرشتگان، جان آنان را می گیرند و بر رو پشت آنها می زنند و میگویند بچشید عذاب سوزنده را.»

رسول خدا (ص) فرمود: وقتی مرگ فرا رسد، ملائکه نزد او حاضر می شوند با پارچه ای از حریر سفید و به روح او می گویند: از بدن خارج شو در حالی که هم تو خشنودی و هم پروردگار از تو راضی، خارج شو به سوی روح و ریحان و پروردگار رحمت، پس روح از بدن خارج می شود مانند بوی خوش مشک که از مشک خارج شود، ملائکه یکی پس از دیگری آن روح را می گیرند و به طرف آسمان می برند تا جایی که به در آسمان اول

ص: 24

1- - من لایحضره الفتیة، ج 1، ص 189.

2- - سوره انفال/آیه 50.

میرسند ساکنان آسمان می گویند: چقدر خوشبوست این روح، و همچنین در مسیرشان به هر آسمانی می رسند، ساکنین آن آسمان، همین سخن تکرار می کنند، تا زمانیکه به بهشت برسند و روح مؤمن در آنجا در جمع ارواح مؤمنین دیگر قرار گیرد و از همه هم و غم دنیا، رهایی مییابد اما کافر هنگام مرگش، ملائکه عذاب می آیند و به روح او میگویند: از بدن خارج شو در حالی که هم تو ناراضی از عاقبت خود هستی و هم خدا تو ناخشنود، خارج شو به سوی عذاب و گرفتاریها و به سوی پروردگار که نسبت به تو غضبناک و خشمگین است. (1)

1- حضور شیاطین در کنار محتضر

بر اساس روایات وارده در این باب، در موقع احتضار و جان کندن، شیاطین در اطراف شخص محتضر، حلقه می زنند و او را در امر دین، تشکیک می کنند تا شاید بتوانند در اعتقاد او سستی و خللی وارد نمایند. و بالاخره او را کافر نمایند و او ایمانش را از دست داده، با کفر از دنیا برود، ولی اگر محتضر، مؤمن و اهل ولایت باشد، شیاطین موفقیتی ندارند، زیرا ملائکه رحمت، قبل از آمدن شیاطین در اطراف محتضر، حاضر می شوند و شیاطین را از او دور می کنند. اما اگر محتضر، مؤمن و اهل ولایت نباشد، ممکن است شیاطین نسبت به او موفق باشند و او را به تردید و تشکیک وا دارند، لذا در دستورهای اسلامی وارد شده است که در هنگام

ص: 25

احتضار، حاضرین شهادتین و اعتقاد به ولایت اهل بیت را بر محتضر، تلقین نمایند تا به وسیله شیاطین، فریب نخورد و «دعای عدیله» را بر او بخوانند و «دعای فرج» را به او تلقین نمایند، همه اینها بخاطر حضور شیاطین و ایجاد شبهه و تشکیک آنهاست.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده:

« هیچ شخصی نیست که مرگش برسد، مگر اینکه ابلیس و شیاطین از اعوان و انصار خود را موکل می کنند که او را به کفر واداشته و در دینش تشکیک نمایند تا زمانی که روح از بدنش فارغ شود، پس شما که در اطراف محتضرید، او را با ذکر شهادتین تلقین بگویند تا زمانی که بمیرد، یعنی در اثر تلقین شما، محتضر از تشکیک شیطان در امان می ماند. (1)»

6- قبض روح با کیست؟

قرآن گرفتن روح را در یکجا به خدا نسبت داده و می فرماید:

«اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (2)

«تنها خداوند به هنگام مرگ جانها را بدون کم و کاست می گیرد.»

و در جای دیگر جان گرفتن را کار «ملک الموت» دانسته و می فرماید:

ص: 26

1 - - وسائل الشیعه، ج 2، ص 663.

2 - - سوره زمر آیه 42.

«قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي نُكَلِّمُكُمْ» (1)

«همان فرشته ای که مأمور این کار و گرفتن روح شما شده است»

و در جای دیگر همین کار به فرشتگان نسبت داده و می فرماید:

«تَوَفَّئُهُ مُسَلِّمًا» (2)

«فرشتگان فرستاده ما جانها را می گیرند»

این سه آیه با هم منافاتی ندارند، زیرا ملک الموت هم مأمور از طرف خداست که در قرآن هم به جمله (وُكَلِّمُكُمْ) به این مأموریت اشاره شده، همانگونه که فرشتگان هم مأمور خدا هستند و با کلمه (مُسَلِّمًا) به این جمله اشاره شده است. بنابراین گیرنده اصلی جانها خداست و ملک الموت و فرشتگان از طرف خداوند مأمور این کار هستند و طبق فرموده امام صادق (ع) ملک الموت یارانی از فرشتگان دارد که در اطراف عالم جانها را میگیرند و به عزرائیل تحویل داده و او همه را به خداوند تقدیم مینماید. پس نسبت جان گرفتن هم به خدا و هم به ملک الموت و هم به فرشتگان صحیح است، همانگونه که نوشتن را می توان هم به انسان هم به دست و هم به قلم نسبت داد، شما می توانید بگویند: قلم نوشت یا دست نوشت یا انسان نوشت، زیرا قلم در اختیار دست و دست در اختیار انسان است. اینجا هم فرشتگان در اختیار ملک الموت و او در اختیار خدا است و

ص: 27

1- - سوره آیه 11.

2- - سوره انعام آیه 61.

به هر حال با هم منافاتی ندارد. از همه اینها گذشته بر فرض ملک الموت یارانی نداشته باشد برای قبض روح! خلقت نوری او چنان است که در یک لحظه میتواند در چند مکان حضور داشته باشد. در حدیثی از پیامبر گرامی (ص) آمده که ایشان در شب معراج از ملک الموت پرسید: چگونه یک لحظه هم در شرق حاضر می شودی و هم در غرب؟ او گفت: تمام دنیا نزد من مثل یک سعه در کف دست شماست. (1)

7- لحظات جان دادن خوبان چگونه است؟

برای مرگ سکرات و شدایدی هست که حتی نیکان از آن وحشت دارند و با مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) معلوم میشود که مرگ برای نیکان و مؤمنان، نعمتی بزرگ، هدیه ای گران قدر و وسیله ای برای نجات از رنج های دنیا است، از این رو لحظه مرگ برای آنان لحظه ای خوش، گوارا و مایه مسرت و خوشحالی است، اکنون به چند آیه و روایت در این مورد اشاره می کنیم.

«تَجِيئُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (2)»

«نیکوکاران روزی که به لقاء الله می رسند، سلام و امنیت و بشارت است و خداوند برای آنان اجر کریم آماده کرده است.»

ص: 28

1- بحارالانوار، ج 6، ص 144.

2- احزاب/آیه 44.

«تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو راضی، پس در زمره بندگانم در آن و در بهشتم داخل شو».

«سدیر صیرینی» میگوید به امام صادق(ع) عرض کردم: جانم به فدای تو ای رسول خدا(ص) آیا مؤمن از قبض روح خود ناراضی است؟ حضرت فرمود به خدا قسم نه وقتی ملک الموت به او میگوید ای ولی خدا بیتابی ممکن، قسم به آن کس که حضرت محمد(ص) را به رسالت مبعوث کرده من نسبت به تو از پدر هم مهربان ترم، چشم هایت را باز کن و به اطرافت نگاه کن، در این هنگام چهره های منور پیامبر(ص) و ائمه علیهم السلام برای محتضر نمایان می شوند و به او گفته می شود که پس از مرگ این ها رفقای تو هستند، سپس او چشمش را باز کرده به آنان نگاه می کند.

همزمان با این صحنه، منادی از طرف پروردگار ندا می دهد! ای نفس مطمئنه و آرام، به سوی پروردگارت برگردد در حالی که به ولایت اهل بیت(علیهم السلام) خشنودی و مورد رضای حضرت حقی به ثواب، پس داخل شو، در کنار بندگانم یعنی محمد(ص) و اهل بیت(علیهم السلام) و وارد شو در بهشتم، در این ساعت برای مؤمن، چیزی محبوب تر از گرفتن

ص: 29

روح او نیست. (1)

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (2)»

«آگاه باشید که دوستان و اولیای خدا ترسی ندارند و غمگین نمی شوند، همان کسانی که ایمان آوردند و از مخالفت فرمان خدا پرهیز کردند.»

امام صادق(ع) فرمودند: این آیه بشارتی است که مختصر متفی در لحظه مرگ، از زبان او لبای خدا می شنود.

8- عواملی که مرگ را آسان می کند کدامند؟

خداوند منان برای انسانها عوامل نجات و آسانی مرگ را مهیا کرده، تا بتواند به سلامتی از دار دنیا برونرود و به سر منزل مقصود برسند که در اینجا به اهم آنها اشاره می کنیم.

1- ایمان و اعتقاد سالم

تردیدی نیست که اگر آدمی به خدا و آخرت ایمان درست داشته باشد و اتصالش تا آخر حفظ کند. زمانی که می خواهد به سمت خدا رود، شوق شعنی در او ایجاد می شود مانند عاشقی که به دیدار معشوق می رود. خداوند متعال به حضرت ابراهیم(ع) هنگام مرگش فرمود:

ص: 30

1- بحار الانوار، ج 6، ص 163.

2- سوره یونس/آیه 63.

«هَلْ رَأَيْتَ حَبِيبًا يَكْرَهُ لِقَاءَ حَبِيبِهِ إِنَّ الْحَبِيبَ يُحِبُّ حَبِيبَهُ»

«آیا دوستی را دیده ای که از ملاقات دوستش ناراحت باشد؟ قطعاً دوست مشتاق دیدار دوست است.»

بنابراین، هرچه ایمان و اعتقادات ما محکم تر باشد، مرگ برای انسان راحت تر و لذت بخش تر است. چنان که خداوند در قرآن می فرماید:

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»

«خداوند کسانی را که ایمان آورند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می دارد هم در این جهان، و هم در سرای دیگر.»

ما در روایات متعدد داریم که حضرت عزرائیل (ع) به مؤمن می گوید: من از پدر و مادر نسبت به تو مهربانترم. در روایتی داریم:

که دو شاخه گل بسیار معطر از حرم الهی برای او آورده می شود. بوی یکی از آنها به گونه ای است که فرد خانواده و اموال خود را فراموش می کند تا سختی نکشد. و بوی دیگری از نسیم رحمت الهی آنچنان حالتی در او ایجاد می کند که سخاوتمندانه جان خود را بدهد. اینها همه برای مؤمن می باشد.

نشان مرد مؤمن با تو گویم *** اگر مرگش رسد خندان بمیرد

2- ولایت اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت امیرعلیه السلام

ص: 31

شرط دوم برای سلامت و راحت مردن، محبت و ولایت اهل البیت(ع) است که در واقع نشانه ایمان ناب و کامل است، امام باقر(ع) فرمودند:

«وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَهْدِيهِ اللَّهُ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا(1)»

ولایت ما همان ولایت خداست که خداوند هیچ پیامبری را جز بیعت با آن مبعوث نساخت.

ولایت اهل بیت در حقیقت ولایت حق و شأنی از سنون توحید است. لذا در روایات ما توحید را تا «علی ولی الله» دانسته اند، هم از امام سجاده و هم از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که پس از دو جمله شهادتین «لا اله الا الله و محمد رسول الله» فرمودند: «وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ اللَّهِ» بعد فرمودند: «إِلَى هَيْهَاتَا التَّوْحِيدُ» توحید تا اینجا است. (2)

به هر حال لطف اهل بیت علیهم السلام همراه و در همه جا به دوستانشان می رسد چه در دنیا، چه هنگام مرگ، چه در عالم برزخ و چه در قیامت. در هیچ عالمی نیست که ما بی نیاز از آنها شویم و آنها هم دست بسته و کوتاه باشد به تعبیر زیارت جامعه کبیر آنها «رحمت موصول» هستند. رحمتی که متصل است و هیچ گاه قطع نمی شود.

نقل است: مرحوم شیخ حسن علی نخودکی، دو یا سه روز آخر عمر که در بستر افتاده با کسی حرف نمیزد و مشغول خود بود، ولی در شب جمعه ای

ص: 32

1- - بحار الانوار، ج 46، ص 281.

2- - البرهان، ج 4، ص 244.

سر از بالین بلند کرد و رو کرد به سمتی و گفت ای شیطان بر من که وجودم پر از محبت علی علیه السلام و اولاد او است دست نخواهی یافت.

غلام همت آن روز عافیت سوزم *** که در گداصفتی کیمیاگری داند

حافظ

لذا پیامبر(ص) فرمودند:

«مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ (1)»

«هرکس علی(ع) را دوست بدارد، خداوند شدت و سختی جان دادن را بر او آسان می کند»

گربشکافند سراپای من *** جز تو نیابند در اعضای من

3- صله رحم و نیکی به والدین

یکی دیگر از اموری که رعایت آن باعث آسانی سكرات موت(سختی مرگ) میشود صلهرحم است، به خویشاوندان و نزدیکان رَحم میگویند. چون جلوه ای از رحمت خداوند در آنها ظهور کرده است. خداوند است که این محبت ها در بین جمعی از انسان ها به نام ارحام انداخته است.

در روایتی آمده است که یک جزء از صد جزء رحمت الهی در دنیا جلوه کرده که محصول آن یک جزء همه این محبت ها و عاطفه های بین پدر

ص: 33

و مادر و فرزندان و خواهر و برادر و فامیل و خویش را رقم زده است، بهتر آن در آخرت ظهور می کند. (1)

کسی که قطع رحم میکند، در واقع رحمت خدا را از خود قطع می کند، بر این اساس، این همه به آن توصیه شده است.

امام صادق(ع) فرمودند:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ ، فَلْيُكُنْ لِقَرَابَتِهِ وَصُولًا وَبِوَالِدَيْهِ بَارًا ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ (2)»

«هر که دوست دارد خداوند سكرات مرگ را بر او آسان نماید، نسبت به خویشان پیوند و نسبت به پدر و مادر احسان و نیکی داشته باشد که در این صورت خدا سكرات را بر او آسان می نماید.»

در زمان رسول گرامی(ص) حضرت هنگام وفات جوانی نزد او حاضر شدند و به او فرمود بگو «لااله الا الله» آن جوان زبانش بسته شد و نتوانست بگوید: حضرت به زنی که در کنار آن جوان بود، فرمود: آیا این جوان مادر دارد؟ عرض کرد: بله، من مادر او هستم.

فرمود: آیا تو بر او خشمناکی؟ گفت: بله، و شش سال است که با او سخن نگفتم. حضرت فرمود اینک از او راضی شو، آن زن گفت: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ یا

ص: 34

1- - روضه الواعظین / ج 2، ص 512.

2- - بحار الانوار، ج 79، ص 25.

رسول الله برصاكَ عَنْهُ» یا رسول الله، خداوند به رضایت شما از او راضی باشد. و چون این کلمه را که نشانه رضایت او از پسرش بود گفت، زبان آن جوان باز شد.

حضرت به او فرمود: بگو «لا اله الا الله» جوان تکرار کرد و گفت حضرت فرمودند: چه می بینی؟ عرض کرد، مرد سیاه زشت رویی با جامه های چروک و بد بو که از تعفن او، راه نفس من گرفته شده است و حضرت فرمود: بگو:

«يَا مَنْ يُقْبَلُ الْبَيْبِيرَ وَيُعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلِ مِنِّي الْبَيْبِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ (1)».

ای خداپسند که عملکم و اندکرا میپذیری و از گناهان بسیار درمیگذری، عمل اندک را بپذیر و از گناهان بزرگ و بسیار من درگذر که همانا تو آمرزنده و مهربانی.

جوان آن کلمات را گفت. آن وقت حضرت به او فرمودند: نگاه کن چه می بینی؟ گفت مردی سفیدرو و زیبا می بینم با بوی خوش و لباسی فاخر و آن سیاه اولی دارد می ورد. حضرت فرمودند: همین کلمات را تکرار کن. او دوباره گفت و عرض کرد: دیگر آن سیاه را نمی بینم و در همین حال از دنیا رفت. (2)

ص: 35

1- - نهاول الاخره، محدث قمی.

2- - الامالی المفید، ص 287.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: عزرائیل روز پنج نوبت همه انسانها را هنگام نماز پنجگانه نظر تمی کند.

«فَإِنْ كَانَ مِمَّنْ يُؤَاطِبُ عَلَيْهَا عِنْدَ مَوَاقِئِهَا لَقَنَّهٗ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رُسُولُ اللَّهِ (ص) وَ تَحَىَّ عَنْهُ مَلِكُ الْمَوْتِ إِبْلِيسَ (1)»

«اگر شخصی از کسانی است که بر نماز در این اوقات مواظبت دارد، خود ملک الموت هنگام مرگ، شهادت «لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله» را به او تلقین می کند.»

5- مداومت بر تسبیحات حضرت زهرا (س)

یکی دیگر از اموری که باعث آسانی جان دادن می گردد، مداومت بر تسبیحات حضرت زهرا (س) بعد از نمازهای واجب است. این تسبیحات گنجی است که به ما رسیده است و از بزرگترین هدایای الهی بوده که پیامبر بزرگوار (ص) به حضرت زهرا (س) دادند. به تعبیر امام صادق (ع) اگر بهتر از این چیزی بود، پیامبر همان را عطا می کرد.

امام صادق (ع) فرمودند: این تسبیحات نزد من از هزار رکعت نماز در روز بالاتر است بعد فرمودند:

«فَإِنَّهُ لَمْ يُلْزَمَهُ عَبْدٌ فَسَفَى (2)»

«کسی که بر آن مداومت داشته باشد، دچار شقاوت و عاقبت سوء نمیشود.»

ص: 36

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 455.

2- بحار الانوار، ج 82، ص 332.

از امام صادق(ع) روایت شده است که خواندن هفت بار «بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله» در تعقیب نماز صبح و مغرب باعث دفع مرگ بد است. (1)

7- صلوات فرستادن

صالحی به عبادت بیماری رفت. او آخرین لحظات زندگانش را

میگذرانیید، به او گفت: دوست من! آیا جان کنندن تلخ است؟ بیمار گفت: من جز شیرینی و خوبی نمی بینم هیچ گونه تلخی حس نمی کنم. آن شخص صالح متعجب شد زیرا او می دانست که دل کنندن از این دنیا و جان دادن بسیار ناگوار است شخص بیمار چون تعجب او را دید. به او گفت حدیثی از پیامبر(ص) شنیده بودم که هرکس زیاد بر من صلوات بفرستد، از تلخی جان دادن در امان است. از آن پس من به فرستادن صلوات مداومت نمودم. اینک تو جان دادن راحت من را فهمیدی.

8- انگشتر عقیق به دست کردن

در روایتی از امام حسن عسکری(ع) به دست راست کردن عقیق از علانم مؤمن شمرده شده است و در روایط از امام صادق(ع) آمده که باعث عاقبت به خیری و دفع مکروه و بلاست. (2)

ص: 37

1- - مفاتیح الجنان.

2- - ثواب الاعمال، ص 172.

9- تعقیبات نماز «رضیْتُ بالله ربّاً...»

این تعقیبات یک دور مور اعتقادات است و توصیه شده پس از هر نماز خوانده شود و در « مفاتیح الجنان» هم بعد از دعای عدیله آمده است. به فرموده امام صادق (ع) این تعقیبات برای حفظ و ثبات ایمان مناسب است.

10- قرائت «قل هو الله احد» سوره توحید پس هر نماز

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند:

«فَمَنْ تَعَاهَدَ قِرَاءَتَهَا بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ... وَلَا يَذُوقُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ (1)»

«کسی که قرائت سوره «توحید» را بعد از هر نماز ترک نکند، یکی از آثار آن این است که طعم سكرات و سختی های هنگام مرگ نمیچشد.»

11- این ذکر را هفتاد بار بگوید

امام صادق (ع) فرمودند: هرکس این ذکر را هفتاد مرتبه بگوید من در دنیا و آخرت برایش ضمانت می کنم که هنگام مرگ خداوند او را، با بشارت پذیرا شود (یعنی مرگ بر او سهل و آسان است).

«يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ»

12- مساعدت و کمک بر برادر مؤمن

انسانهایی که حالت دگر دوستی دارند و غم دیگران اندوه خود می داند و به فقرا و مساکین لباس، پوشاک، غذا می رسانند خداوند سختی های

ص: 38

1- - بحار الانوار، ج 89، ص 361.

مرگ را بر آنها آسان می کند . از امام صادق (ع) آمده:

«مَنْ كَسَا أَخَاهُ كِسْوَةَ يَهُونَ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ ، وَ يُوسِّعَ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ» (1)

«کسی که برادر مسلمانش را لباس بپوشاند خداوند سختی های مرگ را بر او آسان و قبر او را گشاده می گرداند.»

13- گریه برای امام حسین(ع)

گریه با معرفت برای امام حسین علیه السلام موجب آسان شدن مرگ میشود. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِلْمَوْتِ عَمْرَاتٍ هِيَ أَقْطَعُ أَنْ تَسْتَعْرِفَ بِصَفِّهِ أَوْ يُعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْبُكَاءُ عَلَى الْحُسَيْنِ (ع) يُنْجِي مِنْهُ» (2)

علی علیه السلام فرمود: مرگ و سختیها و شداندی است، که برای اهل مردم دنیا قابل بیان و در خور فهم نیست و گریه بر حسین(ع) آدمی را از آن شداند نجات می دهد.»

14- حسن ظن به خدا

ولی از همه مهمتر امیدوار به رحمت الهی بودن از عامل های مهم نجات انسان می باشد انمه اطهار علیهم السلام به مردم تأکید می کردند به محتضر بگویند به رحمت خدا امیدوار باشد مبادا از خدا مأیوس شود و

ص: 39

1- - سفینه البحار، ماده «سکر».

2- - خصائص الحسينه، ص 139.

بگوید خدا مرانمی آمرزد، بلکه حسن ظن به پروردگار داشته باشد تا خداوند سکرات موت را بر او آسان کند.

قال رسول الله(ص):

«لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يَحْسُنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ حَسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ تُمَمُّ الْجَنَّةِ(1)»

«رسول خدا(ص) فرمود: هیچ یک از شما از دنیا نرود، مگر اینکه حسن ظن به خدا داشته باشد زیرا خوش گمان بودن به خدا قیمت بهشت است.»

به این ترتیب که بگوید: پروردگارا من گناهکارم شرمنده ام اما تو بزرگی، تو رحیمی هرچه گناه من زیاد باشد عفو و رحمت تو از گناهان من عظیم تر است.

شرمنده از آنیم که در روز قیامت *** اندر خور عفو تو نکردیم گناهی

ما را بتو اعتماد است *** این ظن حسن مرا یقین است

یا رب تو به ظن خود رسانم *** از درگه خویش مرا تم

9- وظایف ما هنگام جان دادن دیگران چیست؟

آخرین لحظات حیات آدمی را احتضار میگویند، یعنی همان هنگام قبض روح و جان دادن. احتضار یعنی زمان حاضر شدن مرگ و ملائکه قبض

ص: 40

روح و جان دادن. که این دیگر کاری از وی (میت) بر نمی آید و وظایف بازماندگان برای او انجام دهند، که در اینجا بصورت اجمال بیان می کنیم.

1- اولین مورد در آستان جان سپردن این است، اگر شخصی قادر به وضو بود، وادارش دارند وضو بگیرد و در غیر این صورت وکالت بدهد برای وضو و اگر شخص به هوش نباشد او را وضو بدهند.

2- طاهر و پاک بودن هنگام مرگ برای آسان دادن مؤثر است چرا که خداوند در قرآن می گوید: «توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست میدارد.»

3- محتضر را در موقع جان دادن باید رو بقبله از پشت بخوابانند، به طوری که پاهایش به طرف قبله باشد، و اگر ممکن نیست او را به طرف قبله بنشانند و اگر هم امکان نداشت او را به پهلوئی راست یا چپ رو به قبله بخوابانند.

4- مستحب است کسی را که سخت جان می دهد، اگر ناراحت نمی شود به جایی که نماز می خوانده ببرند، و تلقین شهادتین به دوازده امام علیهم السلام و سایر عقاید حقه را به کسی که در حال جان دادن است تلقین کنند به گونه ای که بفهمد و این کار را تا دم مرگ او ادامه دهند. (1)

5- مستحب است این دعای را به محتضر، تلقین کنند:

ص: 41

1- با توجه به اینکه شیطان در هنگام احتضار حضوری پرنگ دارد و با دسیسه ها و نیرگ های گوناگون خود، شخص محتضر را وسوسه می کند و او را به تشکیک در عقاید حقه میاندازد، تا اینکه روح ایمان را از وجود او بیرون کند، تلقین عقاید حقه از مستحبات مؤکد است.

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبِلْ مِنِّي التَّوْبَةَ يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَيَغْفِرُ عَنِ الْكَثِيرِ إِقْبَلْ مِنِّي التَّوْبَةَ وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُوفُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ إِزْهِمْنِي فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (1)»

خواندن کلمات فرج:

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ (2)»

6- خواندن سوره و آیاتی از قرآن

مستحب است برای راحت شدن محتضر، بر بالین او سوره مبارکه «یس» و «صافات» و «احزاب» و «آیه الکرسی» و آیه 54 سوره «اعراف» و سه آیه آخر سوره «بقره»، بلکه هر چه از قرآن ممکن است خوانده شود. (در ضمن مکروه است افراد جنب، خانم هنگام عادات، تنها گذاشتن میت، گریه کردن، زیاد حرف زدن در اطراف میت باشد.)

7- دعای عدیله

خواندن دعای عدیله که برای سلامت جستن از وسواس شیطان نافع است البته این دعا از مأثورات ائمه اطهار علیهم السلام نیست، بلکه از مؤلفات

ص: 42

1- . مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی.

2- . مفاتیح الجنان، ص 975.

علما می باشد و برای جستن از خطر عدیله عندالموت (موقع جان دادن) نافع است. این دعا در «مفاتیح» ذکر شده»

10- وظایف ما بعد از مرگ یک مسلمان چیست؟

آداب بعد از احتضار و مرگ آن است:

دهان میت را ببندند تا باز نماند. 2- چشم های میت را ببندند. 3- دست و پاهای او را دراز کنند و پارچه‌های روی او ببندازند. 4- اگر میت شب فوت کرده، در همان مکان، چراغی روشن کنند. 5- برای تشییع جنازه او، آشنایان، مؤمنان را خبرکنند. 6- در دفن او عجله نمایند.

11- وظایف ما در حین تشییع جنازه چیست؟

تشییع جنازه از سنت های خاص می باشد، که در حین برداشتن جنازه، مستحب است تشییع کنندگان این دعا را بخوانند «بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. (1)»

هر چند ذکر «لا اِلاَّ اللّٰهُ» از برترین اذکار است و تشییع کنندگان باید این ذکر یا اذکار به زبان آرند ولی در کنار آن باید سکوت همراه با تکرر باشد. همراهان باید به این فکر باشند که گویا خود از دنیا رفته اند و این مراسم برای خود آنها برگزار گردیده است. بنابراین به فکر قبر و قیامت خود باشد و از شوخی و حرف زدن با دیگران در هنگام تشییع جنازه و به

ص: 43

خاک سپاری پرهیز کن و به یاد این مطلب باش که اگر از دنیا رفتی یکی از تقاضاهایت از پروردگار، بازگشت به دنیاست و فرض کن بعد از مردن، تقاضای تو مورد قبول واقع شده است و به دنیا بازگشته ای، پس در این بازگشت، به حال تباہ خود بیشتر فکر کن و برگزیده ات مروری داشته باش و درصدد برطرف کردن معاصی باش.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن می فرماید:

« حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ. (1) »

« زمانی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد، می گوید: پروردگار من! مرا بازگردان، شاید در آنچه ترک کردم (کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم، خطاب رسد هرگز و این سخنی است که هر مجرمی به زبان می گوید (و اگر بازگردد برنامه اش همچون سابق است).

بنابراین تنها راه معقول پیشگیری از این تأسف ها، انجام اعمال صالح و توبه از گناه، به هنگامی که فرصت در دست می باشد، وگرنه هرتلاش دیگر بیهوده است.

12- آداب تشییع جنازه چگونه است؟

آداب تشییع جنازه در چند قسم است: 1- مستحبات 2- مکروهات 3- ادعیه

ص: 44

مستحبات: 1- میت برشانه ها حمل گردد. 2- تشییع کنندگان با حالت خشوع و تکر باشند و فرض کنند که میت خودشان هستند و اکنون بازگشتن از خدا مسألت کرده اند و خدا آنان را به دنیا بازگردانده است. 3- تشییع کنندگان پیاده باشند، نه سواره، مگر از روی عذر 4- از پشت جنازه یا دوطرف جنازه حرکت کنند و بهتر است که از پشت جنازه باشد. 5- تشییع کنندگان از چهارگوشه، جنازه را تشییع کنند. 6- صاحب مصیبت پا برهنه باشد. 7- لباس مجالس شادی برتن نکنند تا عزادار مشخص باشد. 8- هنگام تشییع جنازه، آنان که نشسته اند بایستند و حداقل چند قدمی دنبال جنازه حرکت کنند.

مکروهات: 1- خندیدن، 2- مشغول بازی و سرگرمی شدن، 3- حرف دنیا را زدن، 4- سواره رفتن مگر در صورت عذر داشتن، 5- جلو تابوت حرکت کردن، 6- تند رفتن، بلکه باید در حد اعتدال حرکت کردن، 7- زن جزء تشییع کنندگان نباشد.

13- فلسفه غسل میت چیست؟

از امام رضا(ع) سوال شد علت غسل میت چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که از آلودگی های بیماری هایش و انواع مرض هایی که در وجودش بوده است، پاک شود، زیرا ملاقات فرشتگان می رود و با اهل آخرت تماس بگیرد. و علت دیگرش این است که منی و نجاستی که انسان از آن آفریده

شده است، هنگام مرگ از میت خارج می گردد و جنب می شود، پس بدین جهت باید غسل داده شود.

14- احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت چگونه است؟

غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان بر مسلمانان واجب کفایی است، یعنی اگر بعضی آن را انجام دهند از دیگران ساقط می شود.

1- برای غسل و کفن و نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه بگیرند.

2- ولی زن که در غسل و کفن و دفن دخالت می کند، شوهر اوست و بعد از او، مردهایی که از میت ارث می برند مقدم بر زن های ایشان هستند و هر کدام وارث بودن مقدم هستند، در این امر نیز مقدمند.

3- کفن زن بر شوهر است، اگرچه زن از خود، مال داشته باشد.

4- کسی که میت را غسل میدهد باید قصد قربت داشته باشد. (1)

5- بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید غسل داد. (2)

ص: 47

1- غسل دهنده برای غسل دادن مزد نگیرد، ولی اجرت برای کارهای مقدّماتی حرام نیست.

2- اگر بچه کمتر از چهار ماه دارد، در پارچه ای پیچیده و بدون غسل دفن نمایند.

6- اگر مرد، زن را وزن، مرد را غسل بدهد، غسل باطل است ولی زن

میتواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم میتواند زن خود را غسل دهد. (1)

11- اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض

از هر غسل، میت را یک تیمم بدهند. (2) و (3)

ص: 48

- 1- آنچه در بین مردم شایع است این است که می گویند با مرگ یکی از زن و شوهر، بر یکدیگر حرام می گردند و نمی توانند یکدیگر را غسل دهند، اما چنین مسأله ای صحیح نداشته و محرمیت زن و شوهر با مردم یکی از آنها از بین نمی رود و می توانند یکدیگر را غسل دهند. آنچه در رساله های عملیه آمده این است که احتیاط مستحب آن است که زن و شوهر هم دیگر را غسل ندهند، اما اگر غسل هم دادند، اشکال ندارد.
- 2- در تیمم بدل از غسل میت به این صورت عمل می شود که دست میت را روی خاک پاک زده و به صورت و پشت دست های میت می کشند.
- 3- رساله توضیح المسائل حضرت امام، مسأله 550 تا 569.

1- مستحب است که زن، شوهر و 2- بهتر است که پیش از غسل،

شوهر، زن خود را غسل ندهد. (1) تمام بدن میّت پاک گردد. (2)

ص: 49

1- - پاورقی شماره 1 صفحه قبل، مربوط به این مورد نیز می باشد.

2- - رساله توضیح المسائل حضرت امام، مسأله 559 و 564.

امام باقر(ع) فرمودند: هر مؤمنی مؤمن دیگر را غسل بدهد هنگامی که او را این رو و آن رو می گرداند بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ أَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفْوُكَ عَفْوُكَ»؛

«خدایا این بدن بنده مؤمن تو است که روحش را خارج نموده و بین روح و بدنش جدایی انداخته ای، پس او را ببخش، او را ببخش».

هرکس این دعا را هنگام غسل دادن بخواند، خداوند گناهان یک سال او را به غیر از گناهان کبیره - می بخشد. (1)

پاداش غسل مردگان

امام باقر(ع) فرمودند:

یکی از چیزهایی که حضرت موسی علیه السلام به خداوند عرضه داشت این بود که: خدایا! پاداش کسی که مردگان را غسل دهد چیست؟ خطاب رسید: گناهانش را می شویم تا همانند روزی که از مادر متولد شده است، گناهی نداشته باشد. (2)

ص: 50

1- - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 421.

2- - همان، ص 419.

و امام صادق (ع) فرمودند:

«کسی که میت مؤمنی را غسل داده و امانت را در مورد او رعایت کند، خداوند او را می آموزد». پرسیدند: «چگونه می توان امانت را درباره او رعایت کرد؟» فرمودند: «آنچه را که در بدن او می بیند، به دیگران نگوید» (1).

بخش سوم: کفن میت

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کفن خوب برای مردگانتان انتخاب کنید و آنها را درست کفن کنید، همانا کفن زینت آنهاست» (2).

ص: 51

1 - - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 421.

2 - - همان، ص 423.

9- اگر کفن میت به نجاست خود او یا به نجاست دیگری نجس شود، چنانچه کفن ضایع نمی شود، باید مقدار نجس را بشویند یا ببرند و اگر در قبر گذاشته باشند، بهتر است که ببرند. (1)

ص: 52

1- - برای توضیح بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره) از مسأله 570 تا 584 مراجعه شود.

1 - - حنوط یعنی به پیشانی و کف دست ها و سرزانوها و سردو انگشت بزرگ پاها میّت کافور بمالند.

2- مکروه است برای حنوط، کافور را با عطر و مواد خوشبو

کننده مخلوط نمایند. (1)

ص: 54

1- رساله توضیح المسائل حضرت امام، از مسأله 585 تا 593.

زراره می گوید به امام باقر (ع) عرض کردم: چرا دو چوب تازه، همراه میت قرار داده می شود؟ فرمودند:

«زیرا همین دو چوب تازه عذاب و حساب قبر را تا مدتی که خشک نشده اند، از میت دور می کند». (2)

فلسفه جریدتین

از امام باقر (ع) در مورد نهادن جریدتین (دو شاخه تر) در دو طرف میت سؤال شد، امام فرمودند:

«جریدتین تا زمانی که تر باشد، عذاب از میت برطرف می گردد؛ چرا که عذاب در روز اول و ساعت اول قبر است و وقتی چوب خشکید، ان شاء الله عزابی بر صاحب قبر نخواهد بود». (3)

آداب جریدتین

مستحب مؤکد است دو چوب تر و تازه از شاخه درخت را بگیرند و برگ هایش را از آن جدا نمایند، هر یک از آن دو چوب به اندازه یک ذراع (4)

ص: 55

- 1- - جریدتین: نهادن دو چوب تر، به همراه میت را گویند.
- 2- - فروع کافی، ج 3، ص 153.
- 3- - علل الشرایع، ج 1، ص 302، باب 243، ح 1.
- 4- - از آرنج تا سرانگشتان را یک «ذراع» گویند. (تقریباً نیم متر)

باشد، (1) یک از آن دو چوب را در سمت راست، از گلوگاه تا هرجا که رسید، چسبیده به بدن بگذارند، و ظاهر این است که هرگونه بگذارند، مستحب است.

همچنین مستحب است این دو چوب تازه از درخت خرما باشد، اگر نبود از درخت سدر، و اگر نبود از درخت بید و اگر نبود از درخت انار، و اگر نبود هرگونه چوب تر و تازه کافی است.

مستحب است نام میت و اینکه او به یکتایی خدا و رسالت محمد(ص) و امامت امامان معصوم(ع) گواهی می دهد، بر آن دو چوب نوشته شود. (2)

بخش ششم: غسل مس میت

فلسفه غسل مس میت

از امام رضا (ع) پیرامون فلسفه غسل مس میت سؤال شد؟ حضرت فرمودند: زیرا ترشحات بدن میت به او سرایت می کند و چون روح از بدن میت خارج شود، بیشتر آلودگی ها و آفات او باقی می ماند، از این رو هم باید او را پاکیزه کرد و هم خود را از آلودگی هایی که بر اثر تماس با بدن او به انسان می رسد، پاک و پاکیزه کرد. (3)

ص: 56

1- - اگر کوتاه تر از این مقدار هم باشد، مانعی ندارد.

2- - عروه الوثقی، ص 133؛ فروع کافی، ج 3، صص 153-151.

3- - میزان الحکمه، ج 3، باب 3060، ص 2254، حدیث 14935؛ بحار الانوار، ج 81، ص 3، ح 3.

- 1- اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده اند، مس کند؛ یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت نماید. چه در خواب مس کند چه در بیداری، با اختیاریابی اختیار، حتی اگر ناخن او به ناخن میت برسد، باید غسل کند. (1)
- 2- برای مس مرده ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست اگر چه جایی که سرد شده مس نماید.
- 3- غسل مس میت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند. ولی کسی که غسل مس میت کرده، اگر بخواهد نماز بخواند، باید وضو هم بگیرد.
- 4- اگر چند میت را مس کند یا یک میت را چند بار مس نماید، یک غسل کافی است.
- 5- برای کسی که بعد از مس میت غسل نکرده است، توقف در مسجد و جماع و خواندن سوره هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد.
- 6- کسی که میت را مس کرده، برای نماز و هر عبادتی که وضو در آن شرط است (مانند: طواف خانه خدا) باید غسل کند و وضو هم بگیرد. (2). (3)

ص: 57

-
- 1- - اگر انسان، حیوان مرده ای را مس کند، غسل بر او واجب نیست.
 - 2- - نماز میت نیاز به غسل و وضو ندارد، اگر چه مستحب است با غسل و وضو باشد.
 - 3- - جهت توضیح بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، از مسأله 521-532 رجوع شود.

بخش اول: نماز میّت

بخش دوم: دفن اموات

بخش سوم: ادعیه هنگام دفن

بخش چهارم: تلقین میّت

ص: 59

بخش اول: نماز میت

فلسفه پنج تکبیر در نماز میت

از رسول خدا(ص) درباره فلسفه نماز میت سؤال شد که چرا پنج تکبیر دارد؟ حضرت فرمودند: چون خداوند تبارک و تعالی، نمازهای پنجگانه را واجب نموده، بنابراین برای نماز میت هم پنج تکبیر است که هر تکبیر به ازای هر نماز واجب می باشد. (1)

ص: 60

1- - اگر نماز میّت قبل از غسل یا حنوط کردن یا کفن کردن خوانده شود، باطل است اگرچه از روی فراموشی و یا ندانستن مسأله باشد.

1- کسی که نماز میّت می خواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد، البته احتیاط مستحب آن است که در صورتی تیمم کند که وضو و غسل ممکن نباشد یا بترسد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، به نماز میّت نرسد.

نمی باشد. (1)

دستور نماز میّت

نماز میّت، پنج تکبیر دارد، و اگر نمازگزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است:

1- بعد از نیت و تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

2- بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

3- بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ».

4- بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» (اگر مرد باشد) و اگر زن است بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ».

5- و بعد، تکبیر پنجم را بگوید.

بهتر است نماز میّت را به صورت مفصل بخوانند، به این ترتیب:

ص: 63

1- بعد از نیت و تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ».

2- بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَجَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

3- بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

4- بعد از تکبیر چهارم - اگر میت مرد باشد- بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

اگر میت زن باشد، اینگونه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَابْنَةُ أَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً

فَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَاعْفُ عَنْهَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَ اِزْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

1- و بعد تکبیر پنجم را بگوید. (1)

در روایتی وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (2)

بخش دوم: دفن اموات

فلسفه دفن اموات

شخصی از امام رضا(ع) درباره فلسفه دفن اموات سؤال کرد، حضرت فرمودند: «علت اینکه دستور داده شده است مرده را به خاک بسپارند، این است که مردم متلاشی شدن پیکر او منظره زشت و تغییر بویش را مشاهده نکنند و زندگان از بوی او و آفت و فساد که به پیکرش می رسد، آزار نبینند و برای اینکه از چشم دوستان و دشمنان، پنهان بماند و دشمنانش شاد و دوستانش اندوهگین نشوند. (3)

ص: 65

1- رساله توضیح المسائل حضرت امام(زه)، مسأله 608.

2- مفاتیح الجنان(حاشیه، ص1000).

3- وسائل الشیعه، ج2، ص819، ح1؛ میزان الحکمه، ج4، ص2977، باب3745، ح19288.

3- در مسجد، اگر به ضرر مسلمانان باشد یا مزاحم نمازشان باشد. (1)

4- اگر میت زن است، حرام است غیر محارم او را در قبر بگذارند. (2)

ص: 67

1- - رسالة توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسألة 613 تا 627.

2- - اگر میت زن باشد کسی که با او محرم می باشد او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند. (مسألة 629)

10- پیش از آنکه لحد را بپوشانند، دست راست را به شانه راست میّت بزنند و دست چپ را - به قوّت - بر شانه چپ میّت بگذارند و دهان را نزدیک گوش او ببرند و شدّت حرکتش دهند و سه مرتبه بگویند: « اَسْمَعِ اِفْهَمِ يَا فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ » و اسم میّت و پدرش را بگویند و دعای تلقین را بخوانند. (1)

ص: 68

1- -دعای تلقین در بخش چهارم همین کتاب، صفحات 62 تا 64 آمده است.

15- قبر را به اندازه چهار انگشت به صورت مربع مستطیل از زمین بلند کنند و نشانه ای روی آن بگذارند، بر روی قبر آب پاشند و بعد از پاشیدن آب، کسانی که حاضرند، دست ها را بر قبر بگذارند و انگشتها را باز کرده و در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره «قدر» را بخوانند و برای میت طلب آمرزش نمایند. (1)

بخش سوم: ادعیه هنگام دفن

1- دعای شخص زنده هنگام ورود به قبر.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ (2)»

ص: 69

1- رساله توضیح المسائل حضرت امام، از مسأله 629 تا 632.

2- «خدایا قبر را بستانی از بستان های بهشت برای او قرار ده، نه حفره ای از حفره های جهنم». (مفاتیح الجنان)

2- کسی که می خواهد میت را دفن کند بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ وَتَصَدَّقًا بِكِتَابِكَ، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَّقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا» (1) - «خدایا، در تنهایی اش با او باش و مونس او باش در هنگام وحشت، رحم کن بر غربتش، و رحمتت را با او همنشین کن به گونه ای که از رحمت دیگران بی نیاز گردد، و محشورش کن با هر که او را دوست داری از ائمه طاهرين». (مفاتیح الجنان) (2) - «همه از خدایم و به سوی او باز می گردیم، این چیزی است که خدا و رسولش وعده داده و راست گفت خدا و رسولش. خدایا! بر ایمان و تسلیم ما بیفز». (مفاتیح الجنان)

1 - «به نام خدا و به ذات خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا، خدایا با ایمان به تو و تصدیق به کتابت، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده داده است، و راست گفته خدا و رسولش، خدایا بر ایمان و تسلیم ما بیفز». (مفاتیح الجنان) (3) - دعا هنگام چیدن سنگ بر روی میت: «اللَّهُمَّ صِلْ وَحَدِّدْهُ وَآيِسْ وَحَشِّدْهُ وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَاسْكُنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً نَبِيَّةً تَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمِهِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْتَدِرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ مِنَ الْأَكْبِيَةِ الطَّاهِرِينَ»

2 - «4 - دعای هنگام ریختن خاک بر روی میت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَّقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا»

«اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَن جَبْتِيهِ وَاصْعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَ لَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ أَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَن رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ(1)»

بخش چهارم: تلقین میت

تلقین کننده سه مرتبه بگوید:

«إِسْمِعْ إِيَّاهُمْ يَا فَلانُ بْنُ فَلانٍ»؛

یعنی: بشنو و بفهم ای فلان پسر فلان.

و به جای «فلان بن فلان»، اسم میت و پدرش را بگوید و بعد بگوید:

«هَلْ أَنتَ عَلَيَّ الْعَهْدِيُّ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيَّ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامَ أَفْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ وَ أَنَّ «الْحَسَنَ» وَ «الْحُسَيْنَ» وَ «عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ» وَ «مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ» وَ «جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ» وَ «مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ» وَ «عَلِيَّ بْنَ مُوسَى» وَ «مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ» وَ «الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ» وَ «القَائِمَ الْحُجَّةَ الْمُهْدِيَّ» صَلَوَاتُ اللَّهِ

ص: 71

عَلَيْهِمْ أَيْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ أَيْمَتُكَ أَيْمَةُ هُدَىٰ أِبْرَارٍ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ!

و به جای «فلان بن فلان» اسم میت و پدرش را بگوید و سپس بگوید:

«إِذَا تَأَتَى الْمَلَكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ سَمَّيَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قِبَائِكَ وَ عَنْ أَيْمَتِكَ فَلَا تَخَفْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا: «اللَّهُ» اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَ «مُحَمَّدٌ» صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيِّ وَ «الْإِسْلَامُ» دِينِي وَ «الْقُرْآنُ» كِتَابِي وَ «الْكَعْبَةُ» قِبْلَتِي وَ «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» إِمَامِي وَ «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى» إِمَامِي وَ «الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءَ» إِمَامِي وَ «عَلِيُّ بْنُ الْعَابِدِينَ» إِمَامِي وَ «مُحَمَّدٌ بِاقِرُّ» إِمَامِي وَ «جَعْفَرُ الصَّادِقُ» إِمَامِي وَ «مُوسَى الْكَاطِمُ» إِمَامِي وَ «عَلِيُّ الرِّضَا» إِمَامِي وَ «مُحَمَّدُ الْجَوَادُ» إِمَامِي وَ «عَلِيُّ الْهَادِي» إِمَامِي وَ «الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ» إِمَامِي وَ «الْحُجَّجَةُ الْمُنْتَظَرُ» إِمَامِي؛ هَؤُلَاءِ صَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَيْمَتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ شُفَعَائِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرُّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ثُمَّ اعْلَمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ».

و به جای «فلان بن فلان» اسم میت و پدرش را بگوید و سپس بگوید:

«أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعِمَّ الرَّبُّ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ وَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَوْلَادَهُ

المعصومين الأئمة الأئمة عَسَّرَ رِغْمَ الأَيْمَةِ وَأَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ وَأَنَّ المَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي القَبْرِ حَقٌّ وَالبُعْثَ حَقٌّ وَالتَّسْوِيرَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالمِيزَانَ حَقٌّ وَ تَطَائُرَ الكُتُبِ حَقٌّ وَالجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللهُ يَبْعَثُ مَنْ فِي القُبُورِ».

پس بگوید: «أَفْهِمَتَ يَا فُلَان!» و به جای «فلان»، اسم میت را بگوید. پس آنگاه بگوید:

«تَبَيَّنَكَ اللهُ بِالقَوْلِ التَّايِبِ هَذَاكَ اللهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ جَافِ الأَرْضِ عَنْ جَنَبَيْهِ وَاصْعُدْ البِكَّ بِرُوحِهِ وَلقِهِ مِنْكَ بُرْهَاناً اللَّهُمَّ عَفُوكَ عَفُوكَ» (1)

و کسی که تلقین را به میت می دهد، باید توجه داشته باشد که اگر میت زن است، ضمیرهای مذکور در این دعاها را به صورت ضمیر مؤنث بگوید.

15- لحظات دردناک پس از مرگ چگونه است؟

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

ص: 73

1- رجوع شود به رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله 628.

«سوگند به آن قدرتی که جان محمد(ص) در دست اوست، اگر مردم مشاهده می کردند جایگاه مردگان را و گفتارشان را می شنیدند، او را رها کرده و به حال خود اشک ها می ریختند؛ زیرا روح او از بالای جنازه فریاد می زند: ای اهل من، دنیا با شما بازی نکند، همان گونه که با من بازی کرد، اموالی را از حلال و حرام جمع کردم و برای دیگران گذاشتن که لذتش برای دیگران و عقابش برای من است. از آنچه بر سر من آمده است بترسید!». (1)

و حضرت علی(ع) می فرماید:

«پس از مردن، در کفن ها پیچیده می شوید، در حالت نومیدی به سوی قبر کشیده، در حالی که فرمانبردار و آرام هستید، چون کاری از شما بر نمی آید، بعد شما را روی تخته های تابوت می اندازند، وامانده و از حال رفته مانند شتر از سفر بازگشته و رنجوری که از جهت بیماری لاغر گردیده است، پس از آن فرزندان خدمتگذار و برادران گردآمده و شما را به دوش می کشند تا به خانه غریب و بی کسی ببرند، جایی که دیگر ملاقات نخواهید شد، و چون تشییع کنندگان و مصیبت دیدگان از گورستان باز گردند، شما را در قبر تنها رها می کنند، در حالتی که از وحشت و ترس سؤال نکیر و منکر و لغزش در امتحان، آهسته سخن می گوید: (2) من از شیطان گول خوردم، من از دنیا گول خوردم، من از دوست نماها گول خوردم، من از فرزندان خود گول خوردم، که برای خوشی آنان، دین خود تباه کردم، من از مدّت

ص: 74

1- بحارالانوار، ج 6، ص 161.

2- نهج البلاغه، خطبه 83.

طولانی قبر و تنگی آن وحشت دارم. ای وای بر من! حسرت بر من! به خاطر آن سهل انگاری که در راه خدا کردم.» (1)

16- آداب شخص مصیبت دیده چیست؟

1- جایز نیست انسان در مرگ کسی، صورت و بدن را بخراشد و به خود لطمه بزند.

2- پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست.

3- بعد از آنکه آب روی قبر می‌ت ریختیم (2)، دست‌ها را بر قبر بگذاریم و انگشت را باز کرده، در خاک فرو برده و هفت مرتبه سوره مبارکه «قدر» را بخوانیم و برای میت طلب آمرزش کنیم و این دعا را بخوانیم:

« اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنَّتِيْهِ وَاَصْعُدْ بِرُوحِيْهِ اِلَيْكَ وَاَنْسِكُنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيْهِ بِهٖ عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ » (3)

4- بعد از دفن میت، ولی میت یا کسی را که ولی نایب خود کرده است، پس از آنکه مردم از سر قبر برگشتند، سر قبر بنشینند و با صدای بلند، میت را تلقین کند و خوب است که دو کف دست را روی قبر بگذارد و دهان را نزدیک قبر ببرد.

ص: 75

1- بحار الانوار، ج 6، ص 258.

2- تا وقتی که رطوبت روی خاک قبر هست، عذاب قبر از میت دور می‌گردد. (فروع کافی، ج 3، ص 200)

3- رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله 631 و مفاتیح الجنان.

در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند، نکیر و منکر می گویند: «بیا برویم، تلقین کارش را، احتیاج به پرسیدن نیست». (1)

5- صاحبان عزا را سرسلامتی دادن. (2)

6- خواندن نماز وحشت در شب اول قبر، به این کیفیت:

دو رکعت نماز که در رکعت اول بعد از «حمد» یک مرتبه «آیه الکرسی» و در رکعت دوم بعد از «حمد» ده مرتبه سوره «قدر» خوانده شود و بعد از سلام نماز بگویند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ» و به جای «فلان»، اسم میت را بگویند.

نماز وحشت رادر هر موقع از شب اول قبر می شود خواند، ولی بهتر است در اول شب، بعد از نماز عشا خوانده شود.

اگر بخواهند میت را به شهر دوری ببرند، یا به جهت دیگر تدفین میت را به تأخیر اندازند، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او تأخیر بیندازند. (3)

7- تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنها در منزلشان مکروه است. (4)

ص: 76

1- - رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله 631 و مفاتیح الجنان.

2- - رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله 632.

3- - رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله 638-640.

4- - رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله 632.

اما متألمانه در جامعه ما به این سنت نبوی عمل نمی‌گردد، و در شب‌های اول، هفتم و چهارم، مردم دعوت می‌شوند و برنامه‌هایی در منازل و تالارها با آن مخارج سنگین برپا می‌گردد، که هزینه این برنامه‌ها هیچ سودی برای میت ندارد و صرفاً اتلاف وقت و چشم و هم‌چشمی و مانور دادن برای صاحبان عزا می‌باشد، که اگر این مخارج در طول سال صرف در مسیرهای صحیح گردد، چقدر مشکلات جامعه را برطرف می‌کند و جوانان فقیر و یتیم را صاحب خانه و خانواده می‌نماید.

به خصوص که در روایت هم آمده که در شب اول قبر، صاحبان عزا از طرف میت به فقرا کمک کنند تا شب اول قبر بر او آسان بگذرد.

بنابراین بر ماست برنامه‌هایی که (در قرآن و سنت آمده است) برای میت انجام دهیم، بطور مثال: نماز بخوانیم و روزه قضا بگیریم، قرآن بخوانیم و به مستمندان کمک کنیم.

8- گرچه دستور در قرآن و سنت صادر نشده که حتماً برای میت جلسه فاتحه و هفته، چهارم و سالگرد برگزار کنند، اما اگر جلسات طوری برگزار شود که در آنها تلاوت قرآن، تفسیر آیات و احادیث، احکام، مواضع، اشعار و حرف‌هایی که مایه عبرت زنده‌ها شود، خوب است. نه اینکه از اول تا آخر، اسم بخوانند که چه کسانی آمدند و رفتند و حرف‌های نامربوط دیگر که با خط توحیدی سازگار نیست.

9- برصاحبان عزاست که تمام بدهکاری های میت از قبیل بدهی به خداوند متعال (حقّ الله) مانند: کفّارات، خمس، زکات، حج واجب، قضای نماز و روزه و بدهی به خلق خدا (حقّ الناس) را بپردازند که این واجب فوری است و تا تکلیف بدهکاری ها را مشخص نکنند، حقّ تصرّف در اموال میت را ندارند. (1)

10- به وصیت میت، طبق قانون وصیت عمل کنند که این امر هم واجب فوری است. (2)

11- صدقه دادن از طرف میت، به خصوص در شب اول قبر، مستحب است.

در روایتی از رسول خدا (ص) وارد شده است که:

«بر میت، ساعتی سخت تر از شب اول قبر نیست، پس رحم نمایید به مردگان خود با صدقه، و اگر چیزی را برای صدقه دادن نیافتید، یکی از شما دو رکعت نماز بخواند به این کیفیت که در رکعت اول، «حمد» و دو بار سوره «توحید» خوانده شود و در رکعت دوم، «حمد» و ده بار سوره «تکواثر» و بعد از نماز بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ نَوَابِهَا إِلَى قَبْرِ ذَالِكِ الْمَيِّتِ».

هرکس این نماز را بخواند، در همان ساعت هزار فرشته به سوی قبر آن میت می آیند که در نزد هر فرشته ای جامه و حوله ای می باشد، و

ص: 78

1- - بدهکاری های میت و دیون او (از قبیل وام و قرض مدت دار)، بعد از فوت او باید به صورت نقد پرداخت گردد.

2- - توضیح بیشتر در بخش وصیت خواهد آمد.

خداوند تنگی قبر او را وسعت دهد تا روز قیامت و به نمازگزار به عدد آنچه آفتاب بر آن می تابد، حسنات عطا می کند و چهل درجه به او می دهد.» (1)

روش تسلیت گفتن در کلام (ع)

در «نهج البلاغه» آمده است که شخصی از دنیا رفته بود. امیرالمؤمنین علی (ع)، پیام تسلیتی به این مضمون برای خانواده آن شخص فرستادند:

«این فوتی که در خانه شما رخ داده، ابتدایش از خانه شما نشده، پایان این امر هم به خود شما نیست. این پدر شما در طول عمر مسافرت هایی می رفت، الان هم مسافرتی رفته، حال اگر برگشت که او به ملاقات شما می آید و اگر برگشت که بر نخواهد گشت، شما به ملاقات او می روید.» (2)

ص: 79

1- - بحار الانوار، ج 91، ص 219.

2- - نهج البلاغه، حکمت 358.

بخش اول: آثار زیارت اهل قبور

بخش دوم: کیفیت زیارت اهل قبور

بخش سوم: اوقات زیارت اهل قبور

بخش چهارم: سوره ها و ادعیه های وارده جهت زیارت اهل قبور

ص: 81

17- بخش اول: الف - زیارت اهل قبور

17- آثار زیارت اهل قبور

زیارت و درس عبرت

رسول خدا(ص) فرمود:

«به زیارت مردگان بروید و بر آنان سلام کنید، زیرا که از این کار درس عبرت می گیرید(1)».

موجب رقت دل

رسول خدا(ص) فرمود:

«زیارت قبور موجب رقت دلها و گریه چشم می گردد و آخرت را به یاد شما می آورد(2)».

زیارت اهل قبور در روز

ابودر(ره) گفت: رسول اکرم(ص) به من فرمود: «ای ابودر! من تو را وصیت می کنم، وصیت مرا نگهدار، شاید خدایت سود بخشد، مجاور قبرباش تا آخرت را به یاد تو آورد، و روزها به زیارت قبور رهسپار شو و شب هنگام به زیارت آنها مرو(3)».

ص: 82

1- - مجموعه ورام، ص 288.

2- - کنز العمال، ج 15، ص 646.

3- - مستدرک الوسائل، ج 2، ص 129.

انس با اهل قبور

شخصی از امام صادق(ع)سوال کرد که: «آیا ما به زیارت اموات برویم؟».

امام(ع) فرمود: «آری».

آن شخص پرسید: «آیا وقتی به زیارتشان می رویم متوجه آمدن ما

می شوئند؟».

امام(ع)فرمود: «آری، به خدا قسم آمدن شما را می فهمند و خوشحال می شوند و با شما انس می گیرند(1)».

خوشحالی اهل قبور

حضرت علی(ع) می فرماید:

«مردگان خود را دیدار کنید، پس به راستی که آنان به دیدار شما خوشحال می شوند و باید که مرد خواسته ها و حاجات خود را نزد آرامگاه پدر و مادرش(از خداوند)بخواهد، البته پس از آنکه برای آنان دعا نمود(و از خداوند برای آنان رحمت و مغفرت خواست). (2)»

علت نشستن کنار قبر

ابو الدرداء در کنار قبرها می نشست، علت آن را از او پرسیدند، گفت: «من

ص: 83

1- - مستدرک الوسائل، ج 10، ص 457.

2- - بحار الانوار، ج 100، ص 97.

در کنار گروهی می نشینم که روز بازگشتم را به یاد می آورند و اگر از کنار آنها برخیزم غیبت من را نمی کنند(1)».

زیارت قبور و یادآوری آخرت

رسول خدا(ص) فرمود: «به زیارت قبرها بروید تا یاد آخرت در شما زنده شود(2)».

زیارت قبور صالحان

عمرو بن عثمان گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که فرمودند: «هرکس توانایی ندارد نزد ما بیاید، باید دوستان صالح ما را زیارت کند تا پاداش دیدن ما را دریافت نماید و هرکس نتواند قبر ما را زیارت کند، باید به زیارت قبور دوستان شایسته ما برود(3)».

زیارت صاحبان حق

حضرت علی(ع) می فرماید: «برآرامگاه هایی که ساکنانشان بر شما حقی دارند(نظیر حق رهبری، پدری، مادری، استادی، دوستی، برادری، همسایگی) بروید و زیارتشان کنید و نزد آنان روزی بخواهید، به راستی که آنان با دیدار شما خوشحال شوند(4)».

ص: 84

1- - محجّه البیضاء، ج 8، ص 339.

2- - کنز العمال، ج 15، ص 640.

3- - ادعیه و زیارات، ص 158.

4- - چهل حدیث زیارت، شماره 33.

رسیدن ثواب به صاحب قبر

داود رقی گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «کسی کنار قبر پدر و بستگان خود یا افراد دیگر می رود، آیا به حال آن صاحب قبر سودی می رساند؟».

حضرت فرمودند: «بله، ثوابش به او می رسد و خوشحال می شود، همان طور که هدیه ای به شما می رسد و شما خوشحال می شوید(1)».

شناختن زوّار

بعضی از صالحین گفته اند: «مردگان زوارشان را در روز جمعه و یک روز قبل و یک روز بعد آن می شناسند و نامهایشان را می دانند(2)».

سرکشی میت به اقوام

اسحاق بن عمار گفت از امام کاظم (ع) پرسیدم که: «آیا مرده به دیدار کسانش می رود؟».

حضرت فرمود: «آری». عرض کردم: «چه وقت؟». فرمود: «در جمعه (هفته) و ماه و سال به اندازه منزلتی که دارد».

عرض کردم: «به چه صورتی به نزدشان می آید؟».

ص: 85

1- - بحار الانوار، ج 102، ص 296.

2- - آثار الصادقین، ج 17، ص 46.

فرمود: «به صورت مرغی لطیف بر دیوار خانه های ایشان می نشیند و به آنان می نگرد، اگر آنان را به خیر و خوبی دید، خوشحال می شود و اگر در بدی آنها را مشاهده کرد، اندوهناک و افسرده می گردد(1)».

زیارت قبر پدر و مادر

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «اگر پدر و مادر انسان در حالی بمیرند که او نسبت به آنها بدرفتار بوده است، و پس از مرگشان او برای آنها دعا کند، خداوند نام او را از جمله نیکوکاران به ثبت می رساند(2)».

هر هفته کنار قبر پدر و مادر

رسول خدا(ص) فرمود: «کسی که هر جمعه یک بار کنار قبر پدر و مادر یا یکی از آن دو برود و زیارت کند، خداوند وی را می بخشد و نام او را در زمره نیکوکاران می نویسد(3)».

تمجید از مرده

مستحب است که از مرده تمجید شود و از او جز به نیکی یاد نکنند. عایشه گفته است: پیامبر خدا(ص) فرمود: «وقتی همنشین شما مُرد، او را رها کنید و از او بدگویی نکنید».

ص: 86

1- بحار الانوار، ج 58، ص 52.

2- معجزة البيضاء، ج 8، ص 346.

3- کنز العمال، ج 16، ص 468.

رسول خدا(ص) فرمود: «مرده ها را ناسزا مگویید، تا زنده ها را آزار دهید. و مردگان را دشنام ندهید، زیرا آنها به آنچه از پیش فرستاده اند رسیده اند، مردگانتان را جز به نیکی یاد نکنید، چه در غیر این صورت اگر از اهل بهشت باشند گناه می کنید و اگر از اهل دوزخ هستند آنچه را بدان دچارند برای آنها کافی است(1)».

رسوا نکردن اموات خود را

پیامبر خدا(ص) فرمود: «با کارهای بدتان مردگانتان را رسوا نکنید، چه آن بر دوستانتان از اهل قبور عرضه می شود(2)».

ب- آثار زیارت قبور شهدا

ثواب زیارت قبر شهدا

امام صادق(ع) می فرمایند:

«زیارت قبر پیامبر خدا(ص) و زیارت قبر شهیدان و زیارت قبر امام حسین(ع) برابر است با یک حج مقبول همراه رسول خدا(ص) (3)».

ص: 87

1- - محجّه البیضاء، ج 8، ص 349.

2- - محجّه البیضاء، ج 8، ص 356.

3- - وسائل الشیعه، ج 1، ص 378.

«کسی که قبرهای شهیدان آل محمد و شهیدان راستین خدا را زیارت کند و هدش این باشد که به خدا بیوندد(خدا بدین وسیله بین او و شهید را پیوند دهد) از گناهان خود پاک شود، همچون کسی که از مادر تولد یافته. (1)»

سیره رسول خدا در زیارت قبور شهدا

طلحه بن عبدالله گوید: «به همراه پیامبر اکرم(ص) از شهر خارج شدیم. وقتی که به مزار شهدا رسیدیم، پیامبر اکرم(ص) به من فرمود: این قبرهای برادران ماست و بعد به زیارت شهدا مشغول شد. (2)».

بر مزار شهدای احد

امام صادق(ع) فرمود:

«حضرت فاطمه(س) پس از پیامبر هفتاد و پنج روز بیشتر زنده نبود و در این مدت خندان و خوشحال دیده نشد. هر هفته دویار روزهای دو شنبه و پنج شنبه بر سر تربت شهیدان احد میآمد. آنگاه به یاد خاطرات گذشته

ص: 88

1- -چهل حدیث، زیارت 25.

2- - سنن کبری بیهقی، ج 5، ص 249.

میگفت: پیامبر در این جا مستقر بود و مشرکین در آنجا(1)».

کنار قبر حمزه

جعفر بن محمد از پدرش نقل کرده که فرمود: «فاطمه(س) دختر پیامبر(ص) قبر عمویش حمزه را در روزها زیارت میکرد و در آن جا نماز میگذارد و گریه میکرد(2)».

ج- سیره معصومین(ع)

سیره رسول خدا(ص)

پیامبر(ص) قبر مادر خود را زیارت کرد و در کنار او گریست و کسانی که دور ایشان بودند را نیز گریاند. (این درسی است برای ما). (3)

سیره امیر مؤمنین(ع)

امیرالمؤمنین(ع) هنگامی که وارد قبرستان می شدند می فرمودند: «ای خفتگان در خاک و ای به دور افتادگان، خانه های شما مسکن(دیگران) شد، زنانان ازدواج نمودند و اموال و دارایی شما میان ورثه تقسیم شد، این خبری بود که در نزد ما بود، شما چه خبری از آن جا دارید؟». آنگاه متوجه

ص: 89

1- - کافی، ج 6، ص 561.

2- - محجّه البیضاء، ج 8، ص 345.

3- - محجّه البیضاء، ج 8، ص 345.

یارانش شد و فرمود: «اگر به آنان رخصت پاسخ داده می شد، حتماً می‌گفتند که: مسلماً بهترین توشه این دیار تقوا و پرهیزکاری است(1)».

سیره فاطمه زهرا(س)

امام صادق(ع) فرمود: «حضرت فاطمه(س) هر صبح شنبه به کنار قبور شهدا می رفت، آن گاه در جوار قبر حضرت حمزه سید الشهداء قرار می گرفت برای طلب رحمت می کرد و از خدا برای او آمرزش می خواست(2)».

احترام و تجلیل از مقام شهیدم تنها یاد کردن از او نیست، بلکه حفظ آثار شهید تجلیل از مقام اوست. کنار قبر شهید رفتن و از وی یاد کردن یک نوع تجلیل است که این رسم از سوی حضرت فاطمه(س) مراعات و عملی می شد، و در عین حال زمان مناسبی را انتخاب می کنند که می توان آن را جزو خلوت ترین ساعات دانست، چرا که در زمانی چون پنج شنبه و یا جمعه دیگران نیز در کنار قبور شهدا حضور می یابند.

سیره امام حسین(ع)

امام صادق(ع) به نقل از امام باقر(ع) فرمود: «حضرت حسین بن علی(ع) هر شب جمعه به زیارت قبر برادرش، امام حسن مجتبی(ع)

می رفت.»(3)

ص: 90

1- آثار الصادقین، ج 17، ص 30.

2- محجّه البیضاء، ج 8، ص 280.

3- بحار الانوار، ج 10، ص 317.

18- کیفیت زیارت اهل قبور چگونه است؟

امیرالمؤمنین علی(ع) در باب زیارت اهل قبور فرمودند:

«رُؤُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ يَقْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ...»؛

«اموات خود را زیارت کنید، زیرا آنها به واسطه زیارت شما، خشنود می شوند(1)».

و از امام صادق(ع) سؤال شد که اموات از زیارت ما باخبر می شوند؟ حضرت فرمودند: «بله». گفته شد: آیا در هنگام زیارت به حضور ما علم پیدا می کنند؟ حضرت فرمودند:

«آری، به خدا قسم، علم به حضور ما پیدا می کنند و خشنود می شوند و با ما انس می گیرند(2)».

ص: 91

1- - کافی، ج 3، ص 22، ح 10.

2- - من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 115، ح 39.

2- سلام های وارده را به هنگام ورود به قبرستان

خواندن: (1)

ص: 92

1- رجوع شود به بحث ادعیه وارده در همین فصل.

2-نشستن روی قبر.(1)

3-خواندن نماز بالای قبر یا رو به قبر و یا میان دو قبر.(2)

6-قبر را به کثافات آلوده کردن.(3)

ص: 93

1- - از رسول خدا(ص) نقل شده است که اگر بالای آتش بنشینم که جامه ام بسوزد، خوش تر است که بالای قبر بنشینم.

2- - برای رفع کراهت، حیالی مانند عصا یا چیز دیگر بین قبر و محل سجده گاه قرار دهند.

3- - تذکره القبور، آیت الله گزی، ص 21 و 22.

بخش سوم: اوقات زیارت اهل قبور

زیارت اهل قبور، در همه وقت مناسب است، اما آنچه از روایات برمیآید، در چند روز فضیلت بیشتری دارد:

1- بعد از ظهر پنج شنبه تا مغرب.

در حدیث است که پیامبر اکرم (ص) با جماعتی از اصحاب، زیارت اهل قبور را در بقیع، در این وقت، مواظبت داشتند. (1)

2- صبح شنبه.

از فاطمه زهرا (س) نقل شده که آن حضرت در صبح شنبه بر سر مزار شهدای بقیع می رفتند و آنجا طلب استغفار می کردند. (2)

3- روز دوشنبه.

در حدیث است که فاطمه زهرا (س) بعد از رحلت پدر، روز دوشنبه سر قبور شهدا می رفتند. (3)

4- روز جمعه.

از امام باقر (ع) نقل شده که صبح جمعه، پیش از آفتاب، به زیارت اهل قبور بروند. (4)

ص: 94

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 879، ح 3.

2- بحار الانوار، ج 99، ص 300.

3- وسائل الشیعه، ج 2، ص 879، ح 1.

4- امالی طوسی، ج 2، ص 300.

19- بخش چهارم: سوره ها و ادعیه وارده جهت زیارت اهل قبور

19- سوره ها و ادعیه وارده جهت زیارت اهل قبور کدامند؟

الف- سورها

1- خواندن سوره (قدر)، هفت مرتبه.

2- خواندن سوره (حمد)، سه مرتبه.

3- خواندن سوره (ناس)، «فلق» و «توحید» و «آیه الکرسی». هر یک سه مرتبه.

4- خواندن سوره (حمد) و یازده مرتبه سوره «توحید».

5- خواندن سوره های «یس»، «تبارک»، «الرحمن»، «واقع» (1).

ب- ادعیه

دعای ورود به قبرستان

1- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ (2)».

2- از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که هنگام ورود به قبرستان، اول توجه به سمت راست نموده و این دعا را بخوانید:

ص: 95

1- تذکره القبور، صص 19-21.

2- تذکره القبور، ص 19.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مَنْ أَهْلِ الْقَبْرِ لَنَا فَوْطٌ وَنُحْنُ لَكُمْ تَبِعْ، وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاجِفُونَ».

و بعد متوجه سمت چپ شده و همین دعا را بخوانند. (1)

12- در فضیلت سلام دادن بر اهل قبور، امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می فرماید:

«از پیامبر شنیدم کسی که این دعا را در قبرستان بخواند، خداوند به او و پدر و مادرش ثواب پنجاه سال دهد و گناه پنجاه سال را از او بردارد و آن دعا این است:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاحْتَسِبْنا فِي زُمْرِهِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ».

دعا بر بالین قبر

1- امام باقر (ع) فرمودند: دست بر قبر نهاده و بگوید:

«اللَّهُمَّ اِرْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحَدِيثَهُ وَآسِ وَحَسَنَتَهُ وَآمِنْ رُوعَتَهُ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَالْحَقُّ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ».

2- دست بر قبر نهاده و بگوید:

ص: 96

1- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 130، ح 5.

2- بحار الانوار، ج 99، ص 301. ضمناً ادعیه دیگری نیز وارد شده است که علاقمندان می توانند به کتاب «تذکره القبور» آیت اله گزی، ص 20-15 مراجعه فرمایند.

3- بحار الانوار، ج 99، ص 297، ح 14.

« اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَهُ فَاِنَّهُ اِفْتَقَرَ اِلَيْكَ ».

دعای هنگام خروج از قبرستان

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند هنگام خروج از قبرستان بگویند:

«السَّلَامُ عَلَى الْقُبُورِ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَتَبِعْ وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ، وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سَكْنَى الْقُبُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ، بَعْدَ التَّعَمَّةِ وَالسَّرُورِ، صِرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ الْمَوْتِ؟»

پس بگویند:

«وَيَلُّ لِمَنْ سَارَ إِلَى النَّارِ» و اشک بریزد و برگردد. (1)

ص: 97

بخش اول: وصیت

بخش دوم: ارث

ص: 99

20- وصیت و احکام آنرا بیان کنید؟

نقش وصیت

یکی از مسائل عالی اسلام که در قرآن کریم و روایات اسلامی بر آن تأکید شده است، مسألة وصیت است. وصیت در شرایطی واجب و در شرایطی نیز مستحب مؤکد است تا جایی که در روایت شریف از امام صادق(ع) نقل شده است:

«کسی که بدون وصیت بمیرد، مانند مردن زمان جاهلیت مرده است(1)».

وصیت، نشان دقت و اهل حساب و فکر بودن انسان است، زیرا انسانی که وصیت می کند، بدون تردید دیون و طلب کاری های خود را در وصیت نامه متذکر می شود و در فکر آینده خویش می باشد.

وصیت، احترام به حقوق دیگران است و انسان را به یاد مرگ می اندازد و هر چیزی که انسان را به یاد مرگ بیندازد، در اسلام به آن سفارش شده است.

بنابراین یکی از فواید وصیت آن است که انسان را به یاد مرگ می اندازد و خلأهای اقتصادی به وجود آمده، جبران خواهد شد، چرا که بسیاری از کارهای خیری که در دنیا انجام شده است، اعم از ساختن مساجد و بیمارستانها، مدارس و ... به واسطه وصیت کردن افراد خیر خواه بوده

ص: 100

است. ثمره دیگر وصیت آن است که انسان از اموال و سرمایه ای که یک عمر جمع کرده است، بهره می گیرد. همچنین از ثمرات دیگر وصیت جبران کارهایی است که انسان در عمر خود کوتاهی کرده و انجام نداده است و به واسطه وصیت نمودن، جبران گذشته ها می شود. وصیت یادگاری از انسان بعد از مرگ او است و موجب زنده ماندن یاد و نام او در جامعه می گردد.

وصیت در کلام خدا و رسول(ص)

قال الله تبارک و تعالی:

« كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (1)».

«بر شما مقرر شده است که چون مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر مالی برجای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده، وصیت کند. [این کار] حقی است بر پرهیزکاران».

و از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمودند:

«لَا يَنْبَغِي لِامْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ أَنْ يَبِيَّتَ لَيْلَةً إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ تَحْتَ زَأْبِهِ»؛

سزاوار نیست برای مردم مسلمان شبی را سحر کند، مگر اینکه وصیت او زیر سرش باشد. (2)

ص: 101

1- - بقره/180. آیاتی که پیرامون وصیت در قرآن آمده است بدین قرار است: سوره بقره، آیات 181 و 182-240 و سوره نساء، آیات 11 و 12 و سوره مائده، آیه 106.

2- - وسائل الشیعه، باب 1، ج 6.

تعریف وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند، یا بگوید بعد از مرگش چیزی از مال او ملک کسی باشد، یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با اوست، قسیم و سرپرست معین کند. و کسی را که به او وصیت می کنند، «وصی» می گویند. وصیت یا مربوط به اموال و دارایی است یا مربوط به غیر اموال و دارایی و هرکدام احکام جداگانه ای دارد.

احکام وصیت

1- کسی که می خواهد وصیت کند، باید عاقل و بالغ باشد و از روی اختیار وصیت کند.

2- وقتی انسان نشانه های مرگ را در خود دید، باید فوراً امانت های مردم را به صاحبانش برگرداند و اگر به مردم بدهکار است و موقع دادن آن بدهی رسیده، باید بدهی را بپردازد، و اگر خودش نمی تواند بپردازد یا موقع پرداخت بدهی او نرسیده باید وصیت کند و بر وصیت شاهد بگیرد تا بدهی او را بپردازند.

الف) اگر انسان، نماز و روزه قضا دارد، باید وصیت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند، بلکه اگر مال نداشته باشد، ولی احتمال دهد سسی بدون آنکه چیزی بگیرد، آنها را انجام می دهد، باز هم واجب است وصیت نماید. (1)

ب) اگر خمس و زکات و مظالم و حج بدهکار است باید فوراً بپردازد، و اگر نمی تواند چنانچه از خودش مال دارد، باید وصیت کند.

ص: 103

1- - اگر میّت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آنکه اجیر، نماز و روزه را به جای آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست. (رسالة حضرت امام (ره)، مسأله 1394).

ج) بدهکاری های میت باید قبل از تقسیم مال، از اصل مال میت پرداخت گردد، اگرچه میت بر آنها وصیت نکرده باشد. (1)

مستحبات وصیت

1- وصیت کننده، بین والدین و فرزندان و خویشانش، هیچ گونه تبعیضی قائل نشود.

2- از دستورهایی که برای ورثه دشوار و یا گاهی ناممکن است، خودداری گردد.

3- مقداری از ثلث مال خود را برای خویشانی که وارث نیستند، تعیین نماید و برای خود صدقه جاریه قرار دهد، مانند: ساختن مدرسه، در مانگاه، مسجد و کمک به امور خیریه.

البته وصیت منحصر به موارد فوق نیست، بلکه انسان باید وضعیتی دیون خود و اماناتی که به او سپرده شده و مانند آن را در وصیت مشخص کند، به گونه ای که هیچ امر مبهمی در حقوق مردم یا حقوق الهی که بر عهده اوست، وجود نداشته باشد.

در روایات اسلامی تأکیدهای فراوانی در زمینه وصیت شده است. از جمله

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) وارد شده است:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَيِّتَهُ جَاهِلِيَّةً»؛

کسی که بدون وصیت از دنیا برود، مرگ او جاهلیت است. (2)

ص: 104

1- - برای توضیح بیشتر به احکام وصیت از مسأله 2694 تا 2727 رساله حضرت امام (ره) مراجعه شود.

2- - وسائل الشیعه، ج 13، ص 352.

21- آیا وصی می تواند محتوای وصیت نامه را تغییر دهد؟

وقتی کسی از طرف شخصی، وصی قرار گرفت که پس از مرگ او به انجام وصیتش اقدام کند، باید توجه داشته باشد که وصیت کننده، او را امین دانسته و شخص امین، باید تا پایان کار امین بماند، چرا که خیانت نسبت به وصیت و تغییر محتوای آن گناه سنگینی است و این گناه، قطعاً بر عهده تغییر دهنده است، و کاری است حرام و موجب عذاب خدا در دنیا و آخرت. وصی باید آنچه در وصیت نامه از وی خواسته شده را انجام دهد و از اعمال سلیقه شخصی خود با دیگران پرهیزد. زیرا در غیر این صورت به وصیت عمل نکرده و ضامن خواهد بود.

خداوند متعال در سوره بقره آیه 182 استثنائی را بیان می فرماید:

«فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (182)»

هرگاه وصی، بیم انحرافی در وصیت کننده و وصیت داشته باشد، خواه این انحراف ناآگاهانه باشد یا عمدی و آگاهانه، و آن را اصلاح کند، گناهی بر او نیست و مشمول قانون تبدیل و تغییر وصیت نمیباشد.

بنابراین، استثناءتها مربوط به مواردی است که وصیت به طور شایسته صورت نگرفته است، فقط در اینجا است که وصی حق تغییر دارد، البته اگر وصیت کننده نمرده است مطالب را به او گوشزد می کند تا تغییر

ص: 105

دهد و اگر از دنیا رفته، شخصاً اقدام به تغییر می کند و این از نظر فقه اسلامی منحصر به موارد زیر است:

1- هرگاه وصیت به مقداری بیش از ثلث مجموع مال باشد، چرا که در روایات متعددی از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده که وصیت تا ثلث مال مجاز است و زائد بر آن، ممنوع می باشد. (1)

بنابراین آنچه در میان افراد ناآگاه معمول است که تمام اموال خود را از طریق وصیت تقسیم می کنند، به هیچ وجه از نظر قوانین اسلامی صحیح نیست و بر شخص وصی لازم است که آن را اصلاح کند و تا سرحد ثلث تقلیل دهد.

2- در آنجا که وصیت به ظلم و گناه و کار خلاف کرده باشد، مثل اینکه وصیت کند قسمتی از اموالش را صرف توسعه مراکز فساد کنند، و همچنین اگر وصیت، موجب ترک واجبی باشد.

3- آنجا که وصیت موجب نزاع و فساد و خونریزی گردد، باید زیر نظر حاکم شرع اصلاح شود.

ضمناً تعبیر به «جنف» (بر وزن کنف) که به معنی انحراف از حق و تمایل یک جانبه است، اشاره به انحرافات است که ناآگاهانه دامن گیر وصیت کننده می شود و تعبیر به «اثم» اشاره به انحرافات عمدی است.

ص: 106

جمله «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» که در ذیل آیه آمده، ممکن است اشاره به این حقیقت باشد که هرگاه وصی با اقدام موثر کار خلافی را که از وصیت کننده سرزده اصلاح کند و او را به راه حق بازگرداند خداوند از خطای او نیز صرف نظر خواهد کرد. (1)

توصیه می شود وصی، در تفسیر و توضیح وصیت، از اهل علم و علماء کمک بگیرد تا راه را اشتباه نرفته و ضامن نگردد.

از نیشابور به خلیفه مأمون عباسی (علیه اللعنه) نوشتند:

مرد مجوسی هنگام مردنش، مال زیادی را برای صدقه به فقراء وصیت کرده و قاضی نیشابور، اموال او را بین فقرای مسلمانان تقسیم نموده است.

آیا این تقسیم صحیح است؟

مأمون از حضرت رضا (ع) جواب مسأله را پرسید.

حضرت در جواب فرمودند:

قاضی اشتباه وصیت نامه را اجرا نموده است و باید از صدقات مسلمین به همان مقدار بین فقرای غیر مسلمان صدقه دهد. زیرا مجوسیان برای فقرای مسلمان وصیت نمی کنند و منظور وصیت کننده این بوده که به فقراء

ص: 107

غیر مسلمان صدقه داده شود. (1) پس وصی باید با مشورت با اهل علم، وصیت را اجرا نماید تا مشکلی پیش نیاید.

22- آیا لازم است وصی از کلیه تعهدات و حقوق خود مطلع باشد؟

متن وصیت نامه که از طرف کسی که وصیت می کند نوشته می شود باید توسط وصی اجرا گردد. پس لازم است هم شخصی که وصیت میکند، و هم فردی که قرار است وصیت را اجرا نماید از کلیه تعهدات و حقوق خود مطلع باشند.

23- اگر وصی برخلاف وصیت عمل کند آیا گناهی برای وصیت کننده نوشته می شود؟

خداوند در قرآن می فرماید:

« فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (2) »

پس هرکس که [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد گنااهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند آری خدا شنوای داناست.

نخست می فرماید:

« فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ »

ص: 108

1- عیون اخبار الرضا/2/15.

2- سوره بقره/آیه/181.

«کسی که وصیت را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش بر کسانی است که آن را تغییر می دهند»

و اگر گمان کنند خداوند از توطئه هایشان خبر ندارد، سخت در اشتباه اند. إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. «خداوند شنوا و دانا است».

آیه فوق، ممکن است اشاره به این حقیقت نیز باشد که، خلافکاری های «وصی» (کسی که عهده دار انجام وصایا است) هرگز اجر و پاداش وصیت کننده را از بین نمی برد. او به اجر خود رسیده، گناه تنها برگردن وصی است که تغییری در کمیت، یا کیفیت و یا اصل وصیت داده است. این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که اگر بر اثر خلافکاری وصی، اموال میت به افرادی داده شود که مستحق نیستند (و آنها نیز از این موضوع بی خبر باشند) گناهی بر آنها نیست، گناه تنها متوجه وصی است که دانسته، چنین عمل خلافی را انجام داده است.

24- نحوه اجرای وصیت چیست و سهام ارث هر یک از ورثه، به چه مقدار می باشد؟

در اجرای وصیت با توجه به روایات، باید به ترتیب به امور زیر رسیدگی گردد.

اولین چیزی که از ارث و مال میت برداشته می شود کفن میت است و سپس قرض ها و دیون او پرداخته می شود (اگر میت مرد باشد، یکی از بدهی ها مهریه همسر اوست) و بعد از آن به وصیت عمل می شود (ثلث و

غیره). آنگاه اگر چیزی باقی مانده باشد به عنوان ارث بین ورثه تقسیم خواهد شد.

خداوند متعال در آیات 11 و 12 سوره نساء انواع سهام در ارث را بیان میفرماید که بصورت دسته بندی شده به شرح ذیل می باشد:

انواع سهم در ارث

1- سهم بالفرض:

مقدار سهمی است که در قرآن به صراحت ذکر شده است.

2- سهم بالقرايه:

سهمی که در قرآن به صراحت ذکر نشده و در ادله دیگری مانند روایات ، بیان شده است. (1)

سهامی که در قرآن ذکر شده است شش قسم می باشد:

اول: کسانی که نصفاً می برند:

که صاحبان آن سه گروهند:

1- اگر میت فقط یک دختر دارد فرزند دیگری که از او ارث ببرد نداشته باشد.

2- اگر میت فقط یک خواهر پدر و مادری دارد و برادر پدر و مادری یا پدری نداشته باشد.

ص: 110

1- -تحریر الوسیله، ج 2، ص 373 و 374.

3- شوهر در صورتی که همسر متوفای او فرزند یا فرزند زاده نداشته باشد.

دوم: کسانی که یک سوم ارث می برند:

که صاحبان آن دو گروه می باشند:

1- مادر در صورتی که میت فرزند یا برادرانی نداشته باشد؛ داشتن یک برادر مانع نیست.

2- برادران یا خواهران مادری میت در صورتی که متعدد باشند.

سوم: کسانی که یک چهارم ارث می برند:

که صاحبان آن دو گروه می باشد:

1- شوهری که همسر متوفای فرزند یا فرزند زاده نداشته باشد.

2- زنی که شوهر متوفای فرزند زاده نداشته باشد.

چهارم: کسانی که یک ششم (ارث می برند:

که صاحبان آن سه گروهند:

1- پدر در صورتی که میت دارای فرزند باشد.

2- مادر در صورتی که میت حداقل دو برادر یا چهار خواهر پدر و مادری داشته باشد یا اینکه میت فرزند داشته باشد.

3- برادر یا خواهر مادری در صورتی که تنها باشد یعنی برادر یا خواهر مادری دیگری نباشد.

پنجم: کسی که یک هشتم ارث می برد:

که صاحب آن زنی است که شوهر متوفایش فرزند یا فرزند زاده داشته باشد.

ششم: کسانی که دو سوم ارث می برند:

صاحبان آن سه گروه می باشند:

1- دو دختر یا بیشتر در صورتی که میت پسر نداشته باشد.

2- دو خواهر پدری در صورتی که میت برادر پدری نداشته باشد.

3- دو خواهر پدر و مادری یا بیشتر در صورتی که برادر پدر و مادری نداشته باشد.

غیر از موارد ذکر شده، بقیه وارثان میت که سهم ارث آنان در قرآن کریم مشخص نشده است، «وارثان بالقراه» نامیده می شوند.

توارث همسران:

زن و شوهر در صورتی از یکدیگر ارث می برند که عقد آنها دائمی باشد. (1)

کیفیت ارث آنها از هم به شرح ذیل است:

اگر شوهر بمیرد:

(1) اگر میت فرزند ندارد: یک چهارم به همسر، و سه چهارم به سایر ورثه می رسد.

ص: 112

2) اگر میت فرزند دارد: یک هشتم به همسر، و هفت هشتم به سایر ورثه می رسد.

اگر زن بمیرد:

1) اگر میت فرزند ندارد: یک دوم به شوهر، و یک دوم به سایر ورثه می رسد.

2) اگر میت فرزند دارد: یک چهارم (به شوهر، و سه چهارم) به سایر ورثه می رسد. (1)

25- آیا وصی می تواند عمل به وصیت را به تأخیر بیندازد یا در انجام آن کوتاهی نماید؟

وصی بر اساس آیات و روایات باید بداند که به عهده گرفتن وصیت برادر مؤمن، و اجرای مفاد آن از ثواب عظیمی برخوردار است، و معطل گزاردن وصیت، و شانه خالی کردن از عمل به آن، و انحراف در مسائل وصیت گناه بزرگی است و در این زمینه به روایت بسیار مهمی که از رسول خدا (ص) روایت شده دقت نمایند.

حضرت می فرماید:

مَنْ وَصَّيَ الْمَيِّتَ ثُمَّ عَجَزَ عَنْهَا بِغَيْرِ عُدْرٍ لَا يَقْتُلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ وَلَعَنَهُ مَلَكٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيُصْبِحُ أَوْ يُمَسِي فِي سَخَطِ اللَّهِ وَكُلَّمَا قَالَ يَا رَبِّ نَزَلَتْ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ وَكَتَبَ اللَّهُ ثَوَابَ حَسَنَاتِهِ

ص: 113

كُلَّهَا لِذِيكَ الْمَيِّتِ فَإِنْ مَاتَ عَلَى حَالِهِ دَخَلَ النَّارَ وَإِنْ قَامَ بِهَا كَتَبَ لَهُ كُلُّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عَشْرَ رَقِيعَةٍ وَ لَهُ عَمَلٌ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ دَرْهَمٍ مَدِينَةٌ وَ سِتُّونَ حَوْزَاءً وَ تُمَسَّى وَ يُصْبِحُ وَ لَهُ بَابَانِ مُتَوَحَّحَانِ إِلَى الْجَنَّةِ فَإِنْ مَاتَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقَابِلِ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ وَ أُعْطَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِثْلَ ثَوَابِ مَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَ يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ زَفِيقٌ يَحْيَى بِنَ زَكَرِيَّا. (1)

کس که اجرای وصیت میّتی را ضامن شود، سپس بدون عذر از عمل به وصیت دست بردارد:

(1) خداوند واجب و مستحبی را از او نخواهد پذیرفت.

(2) همه فرشتگان میان آسمان او را لعنت کنند.

(3) روز و شب را در خشم خدا بسر می برد.

(4) هر وقت بگوید: یا رب، لعنت بر او نازل می شود.

(5) خدا همه حسناتش را برای آن میّت می نویسد.

(6) اگر بر آن حال بمیرد وارد دوزخ می شود.

«ولی اگر به انجام وصیت قیام کند و به وصیت عمل نماید:»

(1) خداوند به هر روز و شبی ثواب آزاد کردن یک برده برای او ثبت میفرماید.

(2) به هر درهمی که از وصیت هزینه می کند شهری در بهشت به او عطا می شود و شصت حوزیه در اختیارش می گذارند.

ص: 114

1- - جامع الاخبار، ص 90.

3) شب را به روز می آورد و صبح را به شب، در حالی که دو درب به سوی بهشت به روش باز می شود.

اگر میان عمل به وصیت و آینده از زمان بگذرد:

1) آمرزیده از دنیا می رود.

2) خدا در قیامت مانند ثواب کسی که حج و عمره بجا آورده به او عنایت می نماید.

3) در قیامت در بهشت رفیق و همنشین حضرت یحیی بن زکریا خواهد بود.

26- آیا بعضی از واجبات مثل حج واجب، بدهکاری و حقوقی مثل خمس و زکات و مطالب باید از ثلث مال وصیت شود یا از اصل مال؟

اصل اولیه آن است که این گونه امور واجب مالی از اصل ما پرداخت گردد نه از ثلث.

27- رد مظالم چیست و آیا باید هر کسی در وصیت نامه مبلغی را به عنوان رد مظالم بنویسد؟

حق الناس چهار دسته می باشد:

ص: 115

1- گاهی فرد هم مبلغ بدهی را می داند و هم شخص طرف مقابل خود را می شناسد. باید برود و مبلغ را بدهد و حلالیت بطلد.

2- گاهی مبلغ بدهی را نمی داند اما طرف مقابل را می شناسد. یعنی می داند که حق فلانی بود اما نمی داند که چقدر بود. در این موارد باید برود و این موضوع را به خود شخص بگوید و حلالیت بطلد.

3- گاهی مبلغ بدهی معلوم است اما شخص معلوم نیست.

4- گاهی نه مبلغ بدهی معلوم است و نه صاحب آن.

نه شخصی را که به او قرض و بدهی دارد می شناسد و نه مبلغ را

میداند. در این موارد، شخص باید بر اساس شغل خود، یک مبلغ تخمینی را به عنوان رد مظالم به مجتهد بدهد تا صرف فقرا شود.

می تواند در وصیت نامه هم این مبلغ را بیاورد.

28- چه عواملی باعث محرومیت از ارث بردن می شود؟

در مواردی ممکن است بعضی از ورثه در اثر برخی عوارض، از ارث بردن محروم شوند و آن عوارض را در فقه، به عنوان «موانع ارث» می نامند که عبارتند از:

1- «کفر»، هیچ کافری حق ندارد از مسلمان ارث ببرد؛ چه کافر اصلی باشد چه مرتد.

2- «قتل»، قاتل از مال مقتول ارث نمی برد مگر در خطای محض که از مال میت ارث می برد، ولی از دیه آن ارث نمی برد.

3- «رَقِيت»، برده از مال فرد آزاد، ارث نمی برد.

4- «تولد از زنا»، بین فرزندی که از زنا متولد شده، و پدر و مادرش «توارث» وجود ندارد، یعنی متولد از زنا از پدر و مادر، و پدر و مادر از او ارث نمی برند. (1)

این ده هدیه رابرای گذرنامه آخرت آماده کنیم:

مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد آیا به من اجازه می دهید که آرزوی مرگ بکنم؟

حضرت فرمود: مرگ چیزی است که چاره ای از آن نیست و مسافرتی است طولانی که سزاوار است برای کسی که بخواهد به این سفر برود ده هدیه با خود ببرد. (آیا هدایا را آماده کردی)

پرسید آن هدایا کدامند؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

1- هدیه عزرائیل

2- هدیه نکیر و منکر

ص: 117

1- - منابع: 1- فلاح زاده، محمد حسین؛ آموزش فقه، قم، نشر الهادی، چاپ هفتم، 1378- نوری، محمد اسماعیل؛ آشنایی اجمالی با فقه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1384. - اسلامی، رضا؛ مدخل علم فقه، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1384. - استاد شهید مطهری؛ مجموعه آثار، جلد 20، تهران؛ قم، انتشارات صدرا، چاپ دوم، 1381.

3- هدیه قبر

4- هدیه میزان

5- هدیه پل صراط

6- هدیه پیامبر

7- هدیه مالک (خزانه دار جهنم)

8- هدیه جبرئیل

9- هدیه رضوان (خزانه دار بهشت)

10- و هدیه خداوند متعال

اما هدیه عزرائیل چهار چیز است:

1. رضایت حق داران.

2. اشتیاق به خداوند.

3. قضای نمازها.

4. آرزوی مرگ.

اما هدیه قبر چهار چیز است:

1. ترک سخن چینی.

2. استبراء.

3. تلاوت قرآن.

4. نماز شب.

اما هدیه نکیر و منکر چهار چیز است:

1. راستگویی.

2. ترک غیبت.

3. حق گویی.

4. تواضع در برابر همه.

اما هدیه میزان چهار چیز است:

1. فرو خوردن خشم.

2. تقوای راستین.

3. رفتن به سوی جماعت.

4. دعوت به سوی آمرزش الهی.

اما هدیه صراط چهار چیز است:

1. اخلاص عمل.

2. زیاد به یاد خدا بودن.

3. خوش اخلاقی.

4. تحمل کردن آزار دیگران.

اما هدیه مالک(خزانه دار جهنم) چهار چیزاست:

1. گریه از ترس خداوند.

2. صدقه مخفی.

3. ترک گناهان.

4. خوش رفتاری با پدر و مادر.

اما هدیه رضوان(خزانه دار بهشت) چهار چیزاست:

1. صبر در ناملازمات.

2. شکر بر نعمت.

3. انفاق مال در راه اطاعت خداوند.

4. رعایت امانت در مال وقفی.

اما هدیه رسول اکرم(ص) چهار چیزاست:

1. دوست داشتن او.

2. پیروی از سنت او.

3. دوست داشتن اهل بیت او.

4. زبان را از بدیها حفظ کردن.

اما هدیه جبرئیل چهار چیزاست:

1. کم حرف زدن.

2. کم خوردن.

3. کم خوابیدن.

4. مداومت بر حمد.

اما هدیه خداوند متعال چهار چیزاست:

1. امر به نیکی.

2. نهی از بدی.

3. نصیحت و خیرخواهی برای مردم.

4. و مهربانی کردن با همه(1).

ص: 119

«وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و السلام عليكم و على جميع اخواننا المؤمنين و رحمه الله

و بركاته».

اقل الطلاب سيد محمدرضا هاشم زاده

پاییز 1396

ص: 120

« اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ

لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْحَبَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبُعْثَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْقَدَرَ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَّيْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا خَيْرَ الْجَزَاءِ وَحَيَّا مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ بِالْإِسْلَامِ اللَّهُمَّ يَا عَدَدْتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَصَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي لَا تَكْلِبْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فَإِنَّكَ إِنْ تَكْلِبْنِي إِلَى نَفْسِي أَقْرَبُ مِنَ النَّارِ وَأَبْعَدُ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْسِ فِي الْقَبْرِ وَحَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ الْقَاكِ مَنُشُورًا.»

اینجانب..... فرزند

به شماره شناسنامه..... صادره از.....

ساکن.....

در حال صحت و سلامت جسمانی و عقلانی و با اقرار به وحدانیت خداوند

متعال و نبوت جمیع انبیاء عظام (علیه السلام) و خاتمیت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و امامت و ولایت ائمه اثنی عشر (علیه السلام) و اقرار به قبول سایر عقاید اسلامی از اصول دین و فروع.

آقای/خانم فرزند

به عنوان وصی

و آقای/خانم

فرزند به عنوان ناظر قرار

دادم و به شرح ذیل وصیت می کنم که انشاء الله با رعایت تقوی و عدالت، در اجرای این وصیت نامه دقت لازم را بنمایند و در هر مورد از مواردی که در وصیت نامه ذکر نموده ام از اهل علم و علماء کمک گرفته تا وصیت نامه بصورت شرعی اجرا گردد.

از تمامی ورثه و آشنایان تقاضا نمودم در حسن اجرای این وصیت نامه وصی و ناظر را یاری نموده و از خداوند متعال طلب عفو و عاقبت به خیر دارم.

نام همسر یا همسران:

.....

تعداد فرزندان و نام آنها:

.....

موارد وصیت:

1. محل دفن:

2. نماز وحشت:

3. تجهیز و تعزیه داری (مراسمات):

4. نماز:

5. روزه:

6. خمس:

7. زکات:

8. مظالم العباد (رد مظالم):

9. حج واجب:

10. کفارات:

11. نذورات:

12. صدقات و خیرات:

13. روضه خوانی:

14. زیارت عتبات عالیات:

15. زیارت عمره مستحبی:

16. کمک به یتام:

.....17

.....18

.....19

.....20

ص: 123

از موارد فوق قسمتی که از اصل مال حساب نمی شود از ثلث مال برداشته و بقیه ثلث را در موارد زیر به مصرف برساند:

(پیشنهاد می گردد جهت مازاد ثلث، یکی از موارد زیر وصیت شود:

1. بین ورثه بطور مساوی تقسیم گردد.

2. بین ورثه طبق قانون ارث تقسیم گردد.

3. فقط بین فرزندانم بصورت مساوی تقسیم گردد.

4. بین فرزندانم طبق قانون ارث تقسیم گردد.

5. جهت امور خیر و عام المنفعه مصرف گردد.)

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

لیست اموال و دارایی ها از قبیل منزل، زمین یا باغ، مغازه و شرکت، وسیله نقلیه، وجوه نقد، اوراق بهادار و سهام، و... و محل نگهداری آنها:

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

و امانت های مردم نزد من با مشخصات کامل به شرح ذیل می باشد.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

و امانت های من نزد دیگران با مشخصات کامل به شرح ذیل می باشد.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

دیون و بدهکاری های اینجانب به دیگران تا هنگام نگارش این وصیت نامه به شرح ذیل می باشد که باید از اصل مال کسر و پرداخت گردد.

1. مهریه زوجه دائمی خود..... فرزند.....

مبلغ.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

و مطالبات (طلبکاری ها) اینجانب از دیگران تا هنگام نگارش این وصیت نامه به شرح ذیل می باشد که باید به اصل مال اضافه و دریافت گردد.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

اینجانب همانطور که در زمان حیات می توانستم در کارها و امورات فرزندان صغیر و غیر رشیدم و اموال آنها مداخله و اعمال نظر نمایم، جناب آقای.....

فرزند.....

ساکن.....

را به عنوان قیم و سرپرست فرزندان صغیر خود قرار دادم.

.....

حق الزحمه وصی:

مبلغ..... به عنوان حق الزحمه اجرای وصیت نامه به وصی اینجانب آقای..... پرداخت گردد.

حق الزحمه ناظر:

مبلغ..... به عنوان حق الزحمه نظارت

بر اجرای صحیح وصیت نامه به آقای..... پرداخت گردد.

امضای وصیت کننده:

این وصیت نامه در تاریخ..... توسط..... و با اطلاع وصی، قیّم، ناظر و شهود و با رضایت و هوشیاری اینجانب و به خط..... نگاشته و تنظیم شد و در

دفتر خانه اسناد رسمی شماره..... به ثبت رسید و به امضاء و مهر شهود زیر رسیده است.

تاریخ و امضاء وصیت کننده

ص: 130

اینجانباں امضاء کنندگان ذیل صحت و حسن اجرای این وصیت نامه را توسط وصی گواهی می نمائیم.

امضای وصی

امضای ناظر

امضای قلم

شهود:

مهر و امضای دفترخانه

ص: 131

- 1- قرآن کریم
- 2- نهج البلاغه
- 3- مفاتیح- شیخ عباس قمی
- 4- تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی
- 5- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی
- 6- تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی فضل بن حسن شیخ طبرسی
- 7- تفسیر حکیم، حسین انصاریان
- 8- تفسیر مجمع البیان، ابوعلی فضل بن حسن شیخ طبرسی
- 9- المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی
- 10- اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب
- 11- تفسیر روشن، حسن مصطفوی
- 12- زبده البیان فی أحكام القرآن، احمد بن محمد مقدس اردبیلی،
- 13- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی
- 14- منتخب میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری
- 15- کنز العمال، علاء الدین علی بن حسام معروف به متقی هندی
- 16- مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری (محدث نوری)
- 17- بحار الأنوار، علامه مجلسی
- 18- آیات الأحکام، سیدامیر ابوالفتوح حسینی جرجانی
- 19- روضه الواعظین- ترجمه مهدوی دامغانی
- 20- عیون اخبار الرضا، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)
- 21- تحریر الوسیله، سید روح الله موسوی (امام خمینی قدس سره)
- 22- آموزش فقه، محمد حسین فلاح زاده
- 23- آشنایی اجمالی با فقه، محمد اسماعیل نوری
- 24- مدخل علم فقه، رضا اسلامی
- 25- مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری
- 26- فراهانی از تاریخ پیامبر گرامی اسلام، جعفر سبحانی

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.
(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام عليه السلام پشتیبانی می‌شود. برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل‌بیت علیهم‌السلام نیست؟
و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟
به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

